مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران



غلامرضا شفق

بسم الله الرحمن الرحیم

مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران

نویسنده:

غلامرضا شفق

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران

مشخصات کتاب

سرشناسه : شفق، غلامرضا، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور : مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران/ نویسنده غلامرضا شفق؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۱۶-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : مهر (فقه)

موضوع : مهر (حقوق مدنی)

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی استان قم

رده بندی کنگره : BP۱۸۹/۲/ش۷م۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۶

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۲۰۲۷۳

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

و) مشروعیت ضمنی مهر زیاد۱۸

۲. مهریه در حدیث۲۱

ص: ۳

دیباچه

فلسفه مهریه، ابراز محبت و افزایش عُلقه همسری است، اما متأسفانه در پاره ای موارد به ابراز فخرفروشی و خودبرتربینی تبدیل شده است. هرچند مهریه موجب استحکام روابط خانوادگی است، به سفارش اسلام، مهر زن باید به گونه ای باشد که مرد بتواند با آسودگی خاطر و رضایت قلبی آن را بپردازد و هیچ گونه فشار مالی یا روحی بر مرد وارد نشود. امام صادق علیه السلام درباره زیاد نبودن مهریه فرموده است:

اِنِّ مِنْ بَرَکَهِ الْمَرأَهِ قِلّهَ مَهْرِها و مِنْ شُؤمِها کَثْرهَ مَهْرِها.(۱)

از برکت زن، کم بودن مهریه اش و از بدیُمنی او زیادی مهرش است.

آموزه های دینی افزایش مهریه را نشانه همدلی و مودت نمی شمارند، بلکه آن را ابزار دشمنی می دانند. امام علی علیه السلام می فرماید: «لاتُغالوا بِمُهور النِّساءِ فَتَکُونَ عَداوهً؛ مهریه های زنان را گران و سنگین نکنید، که موجب دشمنی می شود».(۲)

مهر زنان بیان کننده جایگاه اجتماعی زنان نیست تا بر اساس آن، به افزودن بر مهر اقدام کنیم. این کار با اصل و هدف ازدواج که بنیان گذاری بنایی مستحکم برای دست یابی به آرامش و سعادت و قرب است، منافات دارد. خوشبختی واقعی، در پناه یک زندگی آرام و آرامش در کنار همسری

۱- من لا یحضره الفقیه، ص ۲۴۵، باب ۱۰۹، ح ۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱.

فهیم و خداشناسی تحقق می یابد، نه در زندگی ای که معیار ارزش آن، مادیات و امور غیرواقعی هستند.

بدین ترتیب، پژوهشگر ارجمند جناب آقای غلامرضا شفق به منظور تبیین آموزه های اسلامی در پژوهش حاضر، کوشیده است مهریه در اسلام، احکام فقهی مهریه، عوامل افزایش یا کاهش مهریه و جهیزیه را بررسی کند و یافته های پژوهشی خود را در اختیار برنامه سازان و برنامه ریزان سازمان صداوسیما قرار دهد. امید است بهره برداری بهینه از آن شود.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

تثبیت نهاد خانواده در سلامت اجتماع نقش بسزایی دارد. این مهم در گرو شفافیت همه سنّت ها و اجزای نظام خانواده است که مهریه و جهیزیه از مهم ترین آنهاست. پرسش های زیادی درباره جایگاه، اهمیت، کاربرد و ارتباط این دو پدیده با یکدیگر وجود دارد. برخی تحلیل ها به کمیت، کیفیت و خصوصیات آنها در محدوده منظومه معرفتی اسلامی پرداخته اند. در منابع و مآخذ اسلامی رهنمودهای زیادی درباره مهریه مطرح و در آیات متعدد قرآن کریم نیز بر این حق مسلّم زنان تأکید شده است. در روایات امامان معصوم علیهم السلام نیز حدود آن شفاف تر و ساده تر بیان شدهاست. فقها با کمک این متون دینی، از جنبه های گوناگون احکام عملی آن را بیان کرده اند.

با توجه به رشد فزاینده این دو پدیده، به ویژه مهریه و برداشت های نادرست از این سنّت مقدس و نورانی، این سؤال مطرح است که در جامعه امروز چه فایده و کارکرد ویژه ای برای آن می توان تصویر کرد. پیش فرض این سؤال ها این است که مهریه برای جلوگیری از طلاق طراحی شده است؛ حتی گفته شده مهریه قیمت زنان است، پس باید جلوی این توهین به زنان گرفته شود. درحالی که مهریه به عنوان یک هدیه، نشانه ای از شدت و احساس و عواطف زوجین به همدیگر است. مهریه نمادی است از علاقه، صداقت، وفاداری و حسن هم نشینی زندگی خانوادگی.

ص: ۹

مهریه و جهیزیه برای ایجاد مانع در راه تشکیل خانواده طراحی نشده، بلکه فلسفه وجودی آن یاری رساندن به ثبات و استحکام نظام خانواده است. در حال حاضر مهریه و جهیزیه به میزان چشمگیری رشد کرده است و بسیاری از مردم از روند رو به افزایش آنها گلایه دارند. جلوگیری از این رشد بی رویه، نیازمند پیشنهاد راه حل ها و بررسی های کارشناسانه است که رسالت صداوسیما در تبیین این مسائل دوچندان است. به هر حال، این مسائل نباید به مانعی در راه تشکیل خانواده تبدیل گردد. اگرچه دست یافتن یا دست نیافتن به مهریه در اختیار زنان است، ولی فلسفه وجودی مهریه در صورتی تحقق می یابد که امکان پرداخت آن وجود داشته باشد. تنها ثبت مهریه های کلان در قباله های ازدواج، با فلسفه شکل گیری آن هم خوانی ندارد.

پس لازم است در پرتو تغییرات و تحولات سازمان اجتماعی، مهریه و جهیزیه در قالب الگوهایی متناسب با زمان و مکان بازخوانی شوند تا از یک سو، نقاط مبهم و تاریک آن روشن گردد و به ابهام ها دراین باره پاسخ داده شود و همچنین امکان پرداخت آن به زنان، برای شوهران فراهم گردد. این نوشتار تهیه شده است تا بر این هدف ها جامه عمل بپوشاند، ولی کار اول نبوده و کلام آخر هم نیست، بلکه برای کارهای نظری و عملی در این حوزه زمینه و ظرفیت فراوان است. امیدواریم دست کم قدم کوچکی در راه این اهداف بزرگ و متعالی برداشته باشیم.

فصل اول: کلیات

اهمیت پژوهش

مهریه و جهیزیه از مهم ترین و حساس ترین موضوع ها در امر ازدواج است که همه انسان ها هنگام تشکیل خانواده با آن روبه رو هستند و بستر اجتماعی و فرهنگی موجود، اهمیتش را بیشتر کرده است. امروزه رشد کمّی و چشمگیر مهریه و جهیزیه، سبب شده است تا مانع اصلی ازدواج جوانان خوانده شود و در دادگاه ها، پرونده های بسیاری به آن اختصاص یابد. اسلام چنین پدیده ای را ذات تشکیل خانواده می داند و از آن به عنوان تحکیم کننده پیوند خانواده یاد می کند. از این رو، مطالعه و بررسی این مقوله در متون دینی و مقایسه آن با روند فعلی جامعه، امری ضروری است تا از این رهگذر، ریشه این نابسامانی هنجاری و شاید هم ارزشی در بخش مهریه و جهیزیه شناخته شود و از میان برود.

هدف های کلی پژوهش

۱. درک بهتر متون اسلامی و دیدگاه های اندیشمندان مسلمان درباره مهریه و جهیزیه.

۲. بررسی وضع موجود مهریه و جهیزیه در ایران.

۳. مقایسه وضع موجود با دیدگاه اسلام.

۴. بیان راهکار برای نزدیک کردن وضع موجود به وضع ایدئال اسلام.

پرسش های پژوهش

پرسش اصلی

آیا روند موجود مهریه و جهیزیه در جامعه، با مبانی و ارزش های دینی همسان است؟

پرسش های فرعی

۱. جایگاه مهریه در آیه ها و روایت ها و دیدگاه اندیشمندان مسلمان چیست؟

۲. کارکردهای اجتماعی آن کدام است؟

۳. عوامل افزایش مهریه و راه حل های پایین آوردن آن کدامند؟

۴. نظر اسلام درباره جهیزیه چست؟

۵. رسانه ها و سازمان های اجتماعی دراین باره چه نقشی دارند؟

پیشینه پژوهش

در زمینه مهریه، آثار متعددی به زبان های فارسی و عربی نگاشته شده که بیشتر به جنبه فقهی ـ حقوقی مسئله توجه دارد. بسیاری از این آثار، پایان نامه دانشجویان است که تاکنون چاپ نشده اند. البته معدود آثاری که چاپ شده، با توجه به رسالت خود با رویکرد خاصی، به مسئله نگریسته اند. به همین دلیل، برای خوانندگان خاصی مناسب هستند.

تعریف مفاهیم

مهریه

مهر، در لغت «به صداق و آنچه زن با عقد ازدواج، با این عنوان مالک می شود، تفسیر شده است».(۱)

۱- احمد قیومی، مصباح ال منیر، قم، درالهجره، ۱۴۰۵ ه‍ـ . ق، ج ۱، ص ۵۸۲؛ فیروزآبادی، قاموس المحیط، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ه‍ـ . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۱۹۳؛ ابراهیم انیس و دیگران، معجم الوسیط، بیروت، دارالامواج، ۱۴۱۰ ه‍ـ . ق، چ ۲، ج ۲، ص ۸۸۹.

در قرآن، از مهر با عنوان های صـداق، فریضه، اجر، نحله و امتاع یاد شـده است. در روایت ها، علایق و حباء؛ در بیان فقها عقر و در لسان عرب، سیاق و نافجه برای این منظور به کار می رود.(۱) «در زبان فارسی از آن با عنوان های صداق، کابین و مهریه یاد می شود».(۲)

مهر در اصطلاح، صداق یا مالی است که زن به واسطه ازدواج، مالك آن است و مرد ملزم به پرداخت آن به زن می شود. مهر معمولاً اقلامی است که با توافق زوجین مشـخص می شود و مرد به صورت نقد یا تعهد در ذمه، به پرداخت آن موظف است و این اقلام و تعهد، به صورت مکتوب، ثبت و ضبط می شود.(۳)

جهیزیه

در فارسی، «جهیزیه، جهاز و جهیز، رخت عروس»به یک معنا به کار می رود.(۴) در متون دینی، جهیزیه، محصول مهریه است و به اموالی گفته می شود که عروس با مهریه خود تهیه کرده است.

ص: ۱۳

۱- نک: پایان نامه طالبی احمد آبادی، مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، سیروس، ۱۳۳۸ هـ . ق، ج ۴۶، ص ۱۸۱.

۳- سید حسین شرف الدین، تبیین جامعه شناختی مهریه، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۴.

۴- لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، ص ۱۸۳.

فصل دوم: مهریه در اسلام

اشاره

با طلوع خورشید اسلام، مسئله حقوق زن نیز چون دیگر مسائل و امور جامعه بشری به کلی تغییر و بهبود یافت. قوانین اسلام، همه آداب و قوانینی که سبب تباه شدن حقوق زنان می شد، به ویژه قوانین باب مهر را تغییر داد و قوانین جدیدی را جایگزین آنها کرد که حقوق زنان در آنها به طور کامل تضمین و جایگاه اجتماعی شان در آن تعریف و تثبیت شده بود.

از جمله قوانین حقوقی اسلام در باب مهریه که با هدف دگرگونی آداب پیشین وضع شد، این بود که شوهر حق باز پس گیری مهریه از زن را ندارد. از نظر اسلام، مهر از اموال مخصوص زن است.

از دیگر دگرگونی هایی که اسلام در باب مهر به وجود آورد، تغییر در نگرش جامعه به مهریه بود. پیش از آن، مهریه را بهای زن می دانستند. ازاین رو، پدر یا دیگر بزرگان دختر آن وجه را از داماد می گرفت و داماد نیز با پرداخت مهریه، خود را مالک زن می دانست. اسلام این پندار نادرست از مهریه را تغییر داد و مهریه را عطیه و هدیه، نه بهای زن معرفی کرد.

مهریه، هدیه ای است که به منظور ایجاد محبت میان زوجین و استحکام بنیان مقدس خانواده، مرد به زن می دهد. هدیه ای که به گفته شهید مطهری رحمه الله: «از احساسات رقیق و عطوفت آمیز مرد ناشی شده، نه از احساسات خشن و مالکانه».(۱)

۱- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۴، چ ۲، ص ۱۹۹.

از دیدگاه اسلام، مرد موظف است مهریه را به زن بپردازد و به این امر در اسلام بسیار سفارش شده است. بنابر قوانین اسلامی، در بعضی موارد حاکم می تواند به فرد طلبکار بگوید که از طلب خود صرف نظر کند، ولی به زن نمی تواند بگوید که از مهریه خودش بگذرد.

۱. مهریه در قرآن

اشاره

جایگاه نهاد خانواده، در قرآن بسیار مهم و والاست. در پانزده آیه از قرآن مجید، درباره مسئله مهریه سخنانی آمده است. این آیه ها همراه با شأن نزولشان و مقایسه پیام های ویژه آیه ها با جایگاه و حقوق زن پیش از اسلام، بزرگی و والایی نظر مکتب نورانی اسلام را نشان می دهد.

الف) پرداخت مهریه

خداوند در قرآن کریم، در سوره احزاب، ضمن آنکه احکامی برای زنان پیامبر آورده، در آیه ۵۰ به مسئله مهریه نیز اشاره کرده است:

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنّا أَحْلَلْنا لَکَ أَزْواجَکَ اللّاتِی آتَیْتَ أُجُورَهُنَّ وَ ما مَلَکَتْ یَمِینُکَ مِمّا أَفاءَ اللّهُ عَلَیْکَ وَ بَناتِ عَمِّکَ وَ بَناتِ عَمّاتِکَ وَ بَناتِ خالِکَ وَ بَناتِ خالاتِکَ اللّاتِی هاجَرْنَ مَعَکَ وَ امْرَأَهً مُؤْمِنَهً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَها لِلنَّبِیِّ إِنْ أَرادَ النَّبِیُّ أَنْ یَسْتَنْکِحَها خالِصَهً لَکَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِینَ قَدْ عَلِمْنا ما فَرَضْنا عَلَیْهِمْ فی أَزْواجِهِمْ وَ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ لِکَیْلا یَکُونَ عَلَیْکَ حَرَجٌ وَ کانَ اللّهُ غَفُورًا رَحِیمًا.

ای پیامبر، ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته ای، برای تو حلال کردیم و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است، مالک شده ای و دختران عموی تو و دختران عمه ها و دختران دایی تو و دخترانی که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و نیز زن باایمان که خود را به پیامبر ببخشد، چنانچه پیامبر بخواهد، او را به همسری

برگزینـد. ولی چنین ازدواجی تنهـا برای تو مجاز است، نه دیگر مؤمنان. ما می دانیم بر آنان در زمینه همسـرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته ایم. این برای آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

تعبیر «آتَیْتَ أُجُورَهُنَّ» به این نکته اشـاره دارد که تنها تعیین مهریه و بر روی کاغـذ آوردن آن شـرط لازم و کافی نیست، بلکه اصل، تحویل دادن آن به زن است. «البته پرداخت مهریه به همسر، در صدر اسلام امری رایج و لازم بوده است. در ابتدای آیه خداوند به پیامبر دسـتور می دهد مهریه زنان خود را بپردازد. سـپس اشاره می کند زن با ایمانی که خود را به پیامبر می بخشـد (و مهری برای خود نخواهـد)، اگر پیامبر بخواهد، می تواند با او ازدواج کند. در اینکه چنین چیزی در خارج واقع شده است یا خیر، میان مفسـران محل بحث و گفت وگوست.»(۱) ابن عباس و برخی دیگر از مفسـران معتقدند که پیامبر با هیچ زنی به این کیفیت ازدواج نکرد. پس بنا بر حکم بالا، این امر فقط یک اجازه کلی برای پیامبر بود که هرگز در عمل، از آن اسـتفاده نشد. برخی دیگر، نام سه یا چهار تن از همسـران پیامبر را گفته اند که بدون مهر به ازدواج آن حضـرت درآمدند. حال این پرسـش مطرح می شود که دلیل این اجازه چه بوده است؟

بعضی این گونه پاسخ داده اند: «هیچ کس به جز پیامبر حق ندارد بدون مهر با زنی ازدواج کند. سبب این است که مهر واجب شـده تا زنان را در برابر هرزگی های بعضـی از مردان شـهوت ران ضـمانت کند، ولی پیامبر معصوم است، از اینکه به زن خود ستم روا دارد».(۲)

۱- علی اکبر قرشی، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۸۰.

۲- محمدتقی مدرسی، تفسیر هدایت، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۷، چ ۱، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

تحلیل جامع تر مسئله این گونه است: هنگامی که پیامبر ندای اسلام را بلند کرد، تک و تنها بود و تا مدت ها جز عده کمی به او ایمان نیاوردند. او بر ضد باورهای خرافی عصر و محیط خود قیام کرد و به همه اعلان جنگ داد. طبیعی است که همه قوم ها و قبیله های آن محیط، بر ضد او بسیج شوند.

در این وضعیت، پیامبر باید از همه ابزارها برای شکستن اتحاد نامقدس دشمنان کمک بگیرد که یکی از آنها ایجاد رابطه خویشاوندی بود. اعراب، داماد قبیله را همواره از خود می دانستند و دفاع از او را لازم و تنها گذاشتن او را گناه می شمردند.(۱) از آنجا که لازمه ازدواج و تشکیل خانواده، تا آن زمان این بود که داماد همه هزینه های خانواده را بر عهده بگیرد، بر اطاعت از این امر موظف بوده است. یکی از آن خرج ها، پرداختن مهریه از طرف مرد به همسر بوده است. این حکم در بعضی موارد می توانست، مانعی بر سر راه اقدام پیامبر در ایجاد ارتباط خویشاوندی به شمار آید. ازاین رو، خداوند به خاطر مصالح مهم تر، به پیامبر اجازه داد بدون مهریه، بتواند به ازدواج و ایجاد ارتباط خویشاوندی با قبایل مختلف اقدام کند،(۲) تا از این راه در پیشبرد هدف ها و رسالتش کمکی به او شود.

ب) مهریه؛ عطیه الهی

قرآن تعبیر بسیار زیبا و پرمعنایی از مهریه دارد. از منظر قرآن، مهریه، بخشش و هدیه ارزنده ای است که شوهر به زن می بخشد. هدیه ای که کانون خانواده را گرم و صمیمی خواهد کرد. انسان ها دل باختگی و شور و عشق خود را با تقدیم هدیه به همدیگر، بیان می کنند و برای استحکام و بهبود روابط و

۱- نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، چ ۲۰، ج ۱۷، ص ۳۸۱.

۲- اقدام به ازدواج بدون مهریه، فقط به پیامبر اجازه داده شده و تشخیص آن مصلحت نیز فقط با خداوند حکیم است.

گرایش های اجتماعی، از این نماد جذاب استفاده می کنند. مهریه از دید قرآن، حامل همین معناست و حداقل، بخشی از معنای آن هدیه بودن است:

وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَکُمْ عَنْ شَیْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَکُلُوهُ هَنیئًا مَریئًا. (نساء: ۴)

مهر زنان را (به طورکامل) به عنوان یک بدهی (یا عطیه) به آنان بپردازید، ولی اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.

صدقه (به ضم دال) و صدقه (به فتح دال) و صداق، هر سه به معنای مهریه ای است که به زنان داده می شود و کلمه «نحله» به معنای عطیه ای است مجانی که در برابر ثمن و بها قرار نگرفته باشد.

در این آیه کلمه صدقات به ضمیر (هنّ) اضافه شده؛ زیرا «وجوب دادن مهر به زنان، مسئله ای نیست که فقط اسلام آن را بنا نهاده باشد، بلکه میان مردمان گذشته نیز رایج بوده است. سنت بشر بر این جاری بوده و هست که پول یا مالی که قیمتی داشته باشد، به عنوان مهریه به زنان اختصاص دهند».(۱)

«نحله، از نحل (به فتح نون و حاء) به معنی زنبور عسل است؛ زیرا بخشش و عطیه، شباهتی به کار زنبور عسل دارد که از طریق تأمین عسل فایده می رساند، ولی زیانی ندارد. نحله عبارت است از عطا و بخششی که در مقابل چیزی قرار نگرفته و صداق زن را از این جهت نحله نامیدند که هیچ گونه عوض مالی در مقابل آن گرفته نمی شود.»(۲) بنابراین تحلیل، مهریه به عنوان هدیه به زن پرداخت می شود.

۱- محمدحسین طباطبایی، المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴، چ ۵، ج ۴، ص ۲۶۹.

۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دارالشامیه، بیروت، ۱۴۱۶ هـ. ق، چ ۱، ص ۷۹۵.

ج) مهریه؛ هدیه ای از روی شوق

در دادن و گرفتن هـدیه، شور و شوق و شـعف نهفته است و همین امر، به زن برای شـروع زنـدگی مشترک، اطمینان خاطر می دهد و ضریب اطمینان قلبی او را در قبال مرد بالا می برد.

«خداوند در آیه ۴ سوره نساء دستور می دهد که مهریه زن ها را با رغبت و از روی خوشحالی و رضایت خاطر بپردازید؛ چون مهریه در گردن مرد، یک دِیْن است و باید مرد این بدهی خود را بپردازد، ولی برای آنکه میان زن و مرد علاقه باشد، باید این بدهی با خوش حالی، گشاده رویی و میل و رغبت ادا شود و نباید دادن مهریه، سبب ناراحتی و بی مهری شود».(۱)

بدین ترتیب، جنبه هدیه بودن مهریه باید احیا شود. این مسئله، تعبیر صـریح قرآن است و اگر این دیدگاه رواج یابد، مهریه ها از حالت نسیه بودن خارج می شوند. سپس ارقام نجومی آن به ارقام عادی نزدیک و این پندار اشـتباه که مهریه، ضـمانتی در برابر اقدام مرد به طلاق است، اصلاح خواهد شد.

د) رعایت تناسب در مهریه

هـدیه، بـده بِسـتانی است که روابط اجتماعی را لطیف تر می کند. بدین منظور، شایسـته است به گونه ای برنامه ریزی شود که امکـان تحقق آن با در نظر گرفتن نیت ها و حکمت ها وجود داشـته باشـد. این هـدف ها در پرتو میانه روی ممکن است. حال اگر مهریه بالاتر از توان فرد باشـد یا برعکس، به حـدی کم باشـد که ارزش مالی چنـدانی نداشـته باشد، هدف های مورد نظر برآورده نخواهـد شـد. اسـلام برای عملی کردن چنین هـدفی، چـارچوب انعطاف پـذیری ارائه می کنـد تا همه افراد با توجه به توانایی خود از آن بهره برداری کنند.

۱- یعقوب جعفری، تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۷۰، چ ۱، ج ۲، ص ۳۵۵.

لاـ جُناحَ عَلَيْكَمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّساءَ ما لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَهً وَ مَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ. (بقره: ۲۳۶)

اگر زنان را، مادامی که با آنان نزدیکی نکرده یا برایشان مَهری تعیین نکرده اید طلاق دهید، بر شما گناهی نیست، و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره مند کنید. توانگر به اندازه توان خود و تنگدست به اندازه وسع خود. این کاری است شایسته نیکوکاران.

این آیه به مؤمنان سفارش می کند که به زنان طلاق داده شده، هدیه مناسب حال زوجین داده شود. البته در صورتی که مهریه برای آنان تعیین نشده باشد، این متعه به زن داده خواهد شد. عقل سلیم ایجاب می کند چنین حکمی در مهریه نیز در نظر گرفته شود، هر چند سفارش اخلاقی اسلام، گرفتن مهریه است.

ه_) استقلال حقوق زن

آیه های موجود درباره مهریه، این پیام مهم و ارزشمند را تبلیغ می کنند: احیای حقوق زن، از راه قرار دادن حق مالکیت برای زن در قبال اموال شخصی خودش. البته این مالکیت به بنیان خانواده نباید آسیبی برساند، بلکه باید در جهت استحکام نهاد خانواده عمل کند و ابزاری برای تقویت آن باشد، نه تضعیف آن. بعضی از جوامع، از زن مثل برده بهره برداری می کنند. آنان در ازای کارهای دشوار، هیچ حقی برای وی قائل نیستند و حتی برداشتی غیر منصفانه و نادرست از توانایی های او دارند. بعضی دیگر از جوامع، آزادی مطلق و بی بندوباری را ترویج می کنند. آنان زنان را به بازار کار می فرستند و با تبلیغ فریبنده، نه تنها از توانایی های آنان به صورت ارزان استفاده می کنند،

از آبرو و شخصیتشان نیز به منظور رسیدن به هدف های بنگاه های اقتصادی بهره می برند. این دو رویه، در جوامع گوناگون حتی در کشورهای اسلامی اجرا می شود.

بخشی از این مشکلات، با دادن مهریه به زنان حل می شود؛ زیرا با این کار، آنان نیز در جریان زندگی تا حدودی صاحب اختیارند، مشروط به اینکه امکان پرداخت مهریه فراهم باشد و نه آن قدر سنگین که به عنوان ابزاری برای کوبیدن بر سر مردان از آن بهره برداری شود. همچنین نباید به حدی ناچیز باشد که به شمار هم نیاید. از همه مهم تر، فرهنگ پرداخت مهریه، باید در جامعه رواج یابد.

در پی فروپاشی نظام خانواده در غرب و بر اثر ورود فرهنگ صنعتی و سودمحوری، دیگر مهریه در آن سامان کارکردی ندارد. این مشکل، عاملی شد تا عده ای به جای رفع علت، به سوی معلول رفتند و زن محوری را شعار خود قرار دادند. در واقع «از نظر فمینیست ها، نهادی شدن نقش کدبانو و مادر، بزرگ ترین تغییری است که از قرن هفدهم به این سو در خانواده روی داده است. پیش از صنعتی شدن، حاصل دسترنج اعضای خانواده، دارایی مشترک همه ایشان به شمار می آمد. آن را ثروتی که باید میان افراد تقسیم شود، نمی دانستند. هر عضو خانواده برای تولید آنچه خانواده نیاز داشت، کار می کرد و میان تولید و مصرف تمایزی نبود. با صنعتی شدن، خانه از محل کار، یا به عبارتی دیگر، مصرف از تولید فاصله گرفت. به مرور، زن با قلمرو خانگی یعنی اداره خانه و فرزندان تداعی شد و مرد با قلمرو عمومی، یعنی

کسب درآمد و شرکت در سیاست.»(۱) پس بجا بود، آنان به فرهنگ های خوب نظیر اسلام روی می آوردند که مهریه را حق زن می دانند و زن اگر مهریه اش را به جهیزیه تبدیل کند، صاحب وسایل خانه می شود و اگر مهریه اش را با برنامه ریزی درست به کمک همسرش در امور اقتصادی سرمایه گذاری کند، در بخشی از درآمد خانواده نقش آفرینی می کند و شریک می شود. «امتیاز دیگری که وضع زناشویی در شرق دارد، این است که در شرق، شوهر طبق شئون خود به کسان زن مهر می پردازد و در غرب، بیشتر زنان و به ویژه طبقه ثروتمند، مبلغی به اسم جهاز به شوهر می پردازند. یک زن مسلمان، گذشته از مهریه ای که به او تعلق دارد، اختیار اموال شخصی اش نیز به دست خود اوست. از این رو، هرگز موظف نیست به منظور شرکت در مخارج منزل، مبلغی بپردازد. اسلام در جزئیات روابط و وضع زنان بسیار کوشیده و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برده است و روی هم رفته، زنان در مشرق زمین از نظر احترام، ارزش و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپایی هستند».(۲)

البته این در صورتی است که مهریه زن در حد متعادل باشد، و مرد نیز به طور معمول از عهده پرداخت آن برآید. با این فرض، درآمد زن قبل از سرمایه گذاری و به کارانداختن مهریه اش در امور اقتصادی، اندک خواهد بود و استقلال کامل اقتصادی نخواهد داشت. بنابراین، بخش دیگر نیاز مالی زن، از محل نفقه زن که برعهده شوهر است، تأمین می شود. این حکم، سالم ترین سیستم و کارآمدترین شیوه برای برخورداری مالی و امنیت روانی زن است و

۱- نک: پائلا آبوت و کلر والاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۱۶.

۲- گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید هاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۸، چ ۳، صص ۵۱۲ _ ۵۱۹.

زن در این صورت، بـا خاطری آسوده می توانـد به مسـئولیت خود در خانه بپردازد که همان تربیت فرزنـدان است. در غیر این صورت، حتی اگر همه مردان و زنـان به طور مسـتقل وارد بـازار کـار شونـد، بی شـک، عـده زیـادی از زنـان از عرصه رقـابت تجاری عقب خواهنـد ماند. از سوی دیگر، اگر زنان و مردان در مقام تربیت فرزند مقایسه شوند، بدون تردید، زنان موفق تر از مردان خواهنـد بود. بنـابراین، اسـلام برای جبران ضـعف اقتصـادی و درآمـدی زنان، لزوم پرداخت نفقه را تشـریع کرده است. قرآن مجیـد بر این نکته که مهریه، ملک خالص زن است و اختیارش به دست اوست، بسـیار تأکیـد می کند. زن، مالک مهر و دیگر اموال خود است و هیچ کس، خواه پدر یا شوهر یا هر کس دیگر، حق ندارد در ملک او تصرف کند:

وَ آتَیْتُمْ إِحْداهُنَّ قِنْطارًا فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئًا. (نساء: ۲۰)

اگر شما مال زیاد مهر زن کردید، البته نباید چیزی از مهر او بازپس گیرید.

وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً. (نساء: ۴)

مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها بپردازید.

بر اساس این دو آیه:

یک ـ از تعبیر «آتوا» چنین استفاده می شود که مهریه را باید پرداخت.

دو ـ «اختصاص داشتن مهریه به زن، در جمله «صدقاتهنّ»، از اضافه «صدقات» به ضمیر «هنّ» فهمیده می شود».(۱)

سه ـ «فلا تأخذوا» از پس گرفتن مهریه زنان، نهی می کند.

این مطـالب بر این واقعیت تأکیـد دارد که مهریه، حـق طـبیعی زن است و شوهر وظیفه دارد آن را بـپردازد. بعـد از پرداخت نیز نمی تواند آن را باز پس گیرد. البته خود زن می تواند آن را به شوهر ببخشد، ولی در واقع، «مهر به خود

۱- محسن قرائتی، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳، چ ۱۱، ج ۲، ص ۲۷۸.

زن تعلق دارد، نه به پدر و مادر. مهر، مزد بزرگ کردن و شیردادن و نان دادن به او نیست.»(۱) پس اسلام، حق مالکیت زن را به رسمیت شناخته است.

و) مشروعیت ضمنی مهر زیاد

در شرایط حاضر، مقدار مهریه، مهم ترین مبحث مهریه است؛ زیرا پرداخت مهریه در عرف جامعه بسیار آسان تعریف شده است. این ضرب المثل عامیانه که «مهریه را کی داده و کی گرفته»، حاکی از همین نگرش عرفی است. البته همین پندار نادرست، در رشد میزان مهریه بسیار مؤثر بوده است، به گونه ای که اگر کسی بخواهد مهریه زن خود را بپردازد، نمی تواند دین خود را ادا کند یا اگر به هر دلیل، زندگی شان به جدایی بینجامد، مهریه به یک مسئله دردسرساز تبدیل خواهد شد. راه حل این ناهنجاری چیست؟

حل این مشکل به بررسی و پژوهش ریشه ای نیاز دارد. در این بخش آیه های مربوط به این مسئله را یادآور می شویم. خداوند در قرآن برای مهریه مقدار تعیین نکرده و تنها در یک آیه به طور مختصر به این مطلب اشاره می کند:

وَ إِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدالَ زَوْجٍ مَکانَ زَوْجٍ وَ آتَیْتُمْ إِحْداهُنَّ قِنْطارًا فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتانًا وَ إِثْمًا مُبینًا. (نساء: ۲۰)

اگر خواستید زنی را رها و زنی دیگر به جای او اختیار کنید و مال بسیار مهر او کرده اید، البته نباید چیزی از مهر او بگیرید. آیا به وسیله تهمت به زن، مهر او را می گیرید؛ این گناهی فاش و زشتی این کار آشکار است.

در این آیه «قنطار به جای مهریه به کار رفته و به مال زیاد تفسیر می شود».(۲)

قنطار، از قنطره به معنای پل است و به این سبب از مال به قنطره تعبیر شده که انسان در زندگی دنیا از آن عبور می کند. پس قنطره، به معنای مال

۱- نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۳.

۲- ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، تهران، دارالکتب، ۱۴۱۹هـ . ق، چ۱، ج۲، ص ۲۱۰.

زیاد و فراوان است و معنای نسبی دارد و حد معیّن برای آن فرض نیست. ازاین رو، اهل فن در مقدار آن اختلاف نظر دارند. بعضی گفته اند: قنطار، چهل اوقیه(۱) است. بعضی می گویند: قنطار، برابر است با ۱۲۰۰ دینار. بعضی گفته اند: قنطار، مقدار طلایی است که پوست گاو را پر کند و همین مقدار، از امام محمدباقر و امام صادق علیهماالسلام روایت شده است.(۲)

بعضی قنطار را به اندازه دیه کامل یک انسان آورده اند.(۳)

بنابر تفسیرهای صورت گرفته درباره قنطار درمی یابیم مهریه، بستگی تام و تمام به توافق طرفین دارد. براساس برخی دیگر از روایت ها بهتر است، اندازه و مقدار مهریه اندک باشد؛ زیرا بنای اولیه اسلام، تسهیل امر ازدواج است. البته هر کسی به هر دلیل، می تواند مهریه زیاد برای خود قرار دهد، ولی در حدی که عقل و عرف امکان پرداخت آن را تأیید کند یا به تعبیر قرآن، زحمت بسیار درپی نداشته باشد.(۴) پس مواردی از مهریه که مرد توان پرداخت آن را نداشته باشد یا مرد را به رنج و زحمت بسیار اندازد، از نظر اسلام پسندیده نیست. این معیار کلی است و در افراد گوناگون متفاوت خواهد بود. در این میان، دستور اخلاقی اسلام، بر کم بودن مهریه استوار است.

فخر رازی و دیگر محدثان عامه و خاصه نقل کرده اند که روزی خلیفه دوم در خطبه ای گفت: اگر بشنوم زنی صداق خود را زیاده از مهر زنان پیغمبر گرفته، آن را پس خواهم گرفت! (به نقل دیگر، در بیت المال می گذارم.) زنی برخاست و گفت: خدا به تو اختیار این کار را نداده است و خود می فرماید: «وَ آتَیْتُمْ اِحْدهُنَّ قِنْطارا فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئا... .»

۱- «اوقیه» در روایت ها، به چهل درهم تفسیر شده است. محمد بن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ه_ . ق، ج ۲۱، ص ۲۴۵.
۲- مفردات، ص ۶۷۷.
۳- طبرسی، مجمع البیان، تحقیق: رسولی محلاتی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۹.
۴- نک: قصص: ۲۷.

عمر گفت: همه مردم داناتر و فقیه ترند از عمر، حتی زنان پرده نشین.(۱)

در تفسیر راهنما در ذیل این آیه به این نکته ها اشاره شده است:(۲)

۱. محدود نبودن میزان مهریه «وَ آتَیْتُمْ اِحْدهُنَّ قِنْطارا فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئا»؛ چون قنطار، به معنای مال فراوان است واین مقدار مهریه، پذیرفته شده است و اگر تأیید نمی شد، پس گیری آن حرمتی نداشت.

۲. حرمت پس گیری مهریه همسر، حتی اگر ثروت کلانی (مثل پوست گاوی پر از طلا) باشد: «وَ آتَیْتُمْ اِحْدهُنَّ قِنْطارا فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئا».

۳. مقدار افزون بر مهرالسنه در مهریه زن، در حکم بخشش به اوست و پس گرفتن آن جایز نیست: «وَ آتَیْتُمْ اِحْدهُنَّ قِنْطارا».

۴. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره زیادتر بودن حکم مهریه در مقایسه با مهرالسنه فرمود:

اِذا جاوَزَ مَهْرَالسُّنَّهِ فَلَیْسَ هذا مَهْرا اِنَّما هُوَ نَحْلٌ لِأَنَّ اللّهَ یَقُولُ «وَآتَیْتُمْ اِحْدهُنَّ قِنْطارا.(۳)

اگر از مهرالسنه تجاوز کند، پس این مهر نیست، بلکه بخشش است؛ زیرا خداوند (در قرآن کریم) می فرماید: «و اگر به یکی از ایشان مال فراوان دادید».

پس این آیه تأکید دارد بر اینکه پس گرفتن مهریه از زن جایز نیست، حتی اگر مهریه پرداخت شده بسیار زیاد بوده باشد. در ضمن، این آیه مهریه زیاد را نیز مشروع می کند.

ص: ۲۶

۱- اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۳، چ ۱، ج ۳، ص ۳۲۵.

۲- تفسیر اثنی عشری، ج ۲، ص ۳۸۴؛ محمدبن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ه_ . ق، چ ۳، ج ۱۰، ص ۱۳؛ محمد قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ه_ . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیرالعیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ه_ . ق، ج ۱، ص۲۲۹.

۲. مهریه در حدیث

اشاره

پیش از این، به اهمیت مهریه از دیدگاه قرآن اشاره شد. اکنون جایگاه مهریه به عنوان یکی از حقوق ویژه زوجه در جریان ازدواج، بنابر آموزه های روایی بررسی می شود. مهریه از نظر امامان معصوم علیهم السلامامری مهم و لازم است و روایت های بسیاری نیز درباره اهمیت مهر و ضرورت وجود آن در عقد نکاح، تأکید فراوان به پرداخت آن، پیامدهای سر باز زدن از پرداخت آن، فضیلت و آثار مثبت بخشش مهر با اختیار خود زن، چیزهایی که مهر قرار می گیرد و چیزهایی که مهر واقع نمی شود و شرایط موضوع و میزان مهر، نقل شده است.

الف) اهمیت مهر

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

اِنَّ اللّهَ لَمّا خَلَقَ الدُّنْیا لَمْ یَخْلُقْ فِیها ذَهَباً وَ لا فِضَّةً فَلَمّا أَنْ أَهْبَطَ آدَمَ وَ حَوّاءَ أَنْزَلَ مَعَهُما ذَهَباً وَ فِضَّةً فَسَلَکَهُما ینابِیعَ فِی الْأَرْضِ مَنْفَعَةً لِأَوْلادِهِما مِنْ بَعْدِهِما وَ جَعَلَ ذلِکَ صَداقَ آدَمَ لِحَوّاءَ فَلا یَنْبَغِی لِأَحَدٍ أَنْ یَتَزَوَّجَ اِلاّ بِصَداقٍ.(۱)

خداوند هنگامی که دنیا را خلق کرد، هنوز در آن طلا و نقره را نیافریده بود و زمانی که آدم و حوا را به زمین راند، طلا و نقره نیز به همراه آنها نازل کرد و به صورت چشمه هایی برای اولاد آنها که بعدها خواهند آمد، به جریان انداخت و خداوند آن چشمه های طلا و نقره را به عنوان صداق آدم برای حوا قرار داد. پس سزاوار نیست کسی بدون صداق ازدواج کند.

امام صادق علیه السلام درباره زنی که بدون مطالبه مهر، به نکاح مردی رضا داده بود، فرمود:

اِنَّما کانَ هذَا لِلنَّبِی صلی الله علیه و آله وسلم فَأَمّا لِغَیْرِهِ فَلا یَصْلُحُ هذا حَتّی یُعَوِّضَها شَیْئاً یُقَدِّمُ

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه_ . ق، چ ۲، ج ۱۰۰، ابواب المهور، باب ۱۷، ح ۳۵.

اِلَیْها قَبْلَ أَنْ یَدْخُلَ بِها قُلَّ أَوْ کَثُرَ، وَ لَوْ ثَوْبٌ أَوْ دِرَهُمٌ وَ قالَ: یَجْزِی الدِّرْهَمْ.(۱)

ازدواج بدون مهر (هبه کردن خود بدون مطالبه عوض) از امتیازها و ویژگی پیامبر است و برای دیگران چنین امری جایز نیست، مگر آنکه چیزی کم یا زیاد، هر چند جامه یا درهمی باشد، قبل از زناشویی به همسر خویش بپردازد، (در ادامه فرمود:) برای مهر، پرداخت یک درهم نیز کفایت می کند.

در حدیث دیگری راوی نقل می کند: به امام صادق علیه السلامعرض کردم: زنی را به نکاح خویش درآورده ام. آیا مجازم قبل از پرداخت مقداری مهریه، با او مجامعت کنم؟ حضرت فرمود: «بلی، مهریه، دِیْنی بر ذمه تو است».(۲)

در روایت دیگری است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «امام مسلمان عهده دار پرداخت همه دِیْن های مؤمنان فقیر از بیت المال خواهد بود، مگر مهر زنان».(۳)

براساس این روایت ها، نپرداختن مهر از بیت المال، نشانه اهمیت و ارزشمندی مهر در مقایسه با دیگر دین هاست؛ زیرا بنا بر قرآن و روایت ها، مهریه، هدیه و عطیه ای است که صداقت و صفای مرد به همسرش را نشان می دهد. پس اگر خود مرد در پرداخت آن پیش قدم شود، یا همسرش با خرسندی، آن را به شوهرش ببخشد و از مطالبه آن بگذرد، در تحکیم روابط خانوادگی و تحقق هدف های شایسته تشریع مهر، مؤثر خواهد بود. همچنین اگر مهریه را عامل بازدارنده طلاق و استوارکننده بنیان خانواده بدانیم، چنان که برخی، هدف از تشریع مهر را این گونه تفسیر کرده اند، این هدف زمانی تحقق خواهد یافت که خود مرد به طور مستقیم به پرداخت مهر اقدام کند.

ب) ضرورت وجود مهر در ازدواج

افزون بر آیه های قرآن، روایت هایی بر وجوب پرداخت مهریه دلالت دارند. حال چند نمونه از روایت های وجوب پرداخت مهر را بررسی می کنیم.

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ابواب المهور، باب ۷، ص ۲۵۵، ح ۴.
۲- همان، باب ۸، ح ۱۰.
۳- همان، باب ۱۱، ح ۵.

امام محمدباقر علیه السلام می فرماید:

زنی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا شوهر دهید. حضرت به اصحاب خود فرمود: چه کسی حاضر است با او ازدواج کند؟ مردی از میان حاضران برخاست و گفت: من حاضرم با او ازدواج کنم. پیامبر خدا فرمود: مهر او را چه می دهی؟ عرض کرد: چیزی ندارم. حضرت فرمود: بدون مهر نمی شود. باز زن حرف خود را تکرار و حضرت پیشنهاد او را بیان کرد. پس پیامبر در مرتبه سوم به آن مرد فرمود: آیا چیزی از قرآن می دانی؟ مرد پاسخ داد: آری. فرمود: این زن را در مقابل آنچه از قرآن می دانی، به تو تزویج کردم. پس آن مرد آن مقدار قرآن را به او یاد داد.(۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که مردی، زنی را به تزویج خود درمی آورد، زناشویی با وی برای او حلال نیست [مکروه است]، مگر آنکه هدیه ای به اندازه یک درهم یا بیشتر، از آرد سبوس برای او بگیرد یا چیزی غیر آن بپردازد.(۲)

این روایت ها بر وجوب پرداخت مهر دلالت دارند. همچنین درمی یابیم که مهر فقط جنبه مادی ندارد، بلکه هدیه و عطیه ای است که ایجاد محبت و الفت بیشتر در بنیان مقدس خانواده در آن نهفته شده است.

امام علی علیه السلام می فرماید: «سزاوارترین شرطی که وفای به آن لازم است، پرداخت چیزی است که به واسطه آن زنان را بر خود حلال کرده اید».(۳)

ج) پیامدهای پرداخت نکردن مهریه

روایت های بسیاری در بیان آثار کیفری نپرداختن مهریه، از امامان معصوم علیهم السلامرسیده است که خود، نشان دهنده جایگاه مهر از دیدگاه اسلام است. امام

۱- همان، باب ۲، ح ۱.

۲- همان، ج ۱۵، ابواب المهور، باب ۲، ح ۲.

۳- همان، باب ۱۱، ح ۷.

صادق علیه السلام فرمود:

دزدان سه گروهند: آنان که از دادن زکات سر باز می زنند؛ کسانی که مهر زنان را بر خود حلال می کنند. و افرادی که قرض می گیرند، ولی نیت ادای آن را ندارند.(۱)

باز از امام صادق علیه السلام نقل است: «پلیدترین گناهان، سه چیز است: قتل نفس (یا قتل حیوانات)؛ پرهیز از پرداخت مهر زن و اجرت اجیر».(۲)

پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

کسی که ظالمانه، مهر زن را نپردازد، در پیشگاه خدا زناکار است و روز قیامت، خداوند خطاب به او می فرماید: «بنده من! کنیزم را بر حسب پیمانی (عقد زناشویی که بر اساس قواعد شرعی منعقد می شود)، به تو تزویج کردم، ولی تو به عهدی که با من بستی، وفا نکردی و بر او ستم روا داشتی». آنگاه به مقدار حق زن از حسنات و اعمال نیک مرد برمی دارند و به زن می دهند و اگر پس از این محاسبه، عمل نیکی برایش باقی نماند، او را به جرم پیمان شکنی به جهنم می برند؛ زیرا عهد و پیمان، مسئولیت آور است.(۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند هر گناهی را در روز قیامت می بخشد، مگر (گناه نپرداختن) مهر زن را».(۴)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل است: «کسی که مهری را برای زوجه خود معین کرده، ولی نیت پرداخت آن را نداشته باشد، حکم او مانند دزد است».(۵)

آخرین حدیث در این زمینه باز از کلام نورانی امام صادق علیه السلام است که می فرماید:

مردی که زنی را به نکاح خویش درآورد و قصد پرداخت مهر را نداشته

۱- همان، ج ۲۱، ابواب المهور، باب ۱۱، ح ۱۱.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ابواب المهور، باب ۱۷، ح ۲۴.

۳- «مَنْ ظَلَمَ امْرَأَهً مَهْرَها فَهُوَ عِنْدَاللّهِ زانٍ، یَقُولُ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ لَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ: عَبْدِی زَوَّجْتُکَ أَمَتِی عَلی عَهْدِی فَلَمْ تُوفِ بِعَهْدِی وَ ظَلَمْتَ أَمَتِی، فَیُؤْخَذُ مِنْ حَسَناتِهِ فَیُدْفَعُهُ اِلَیْها بِقَدْرِ حَقِّها، فَاِذا لَمْ تَبْقَ لَهُ حَسَنَهٌ أَمَرَ بِهِ اِلَی النّارِ بِنَکْثِهِ لِلعَهْدِ اِنَّ الْعَهْدَ کانَ مَسْئُولاً».بحارالانوار، ج ۱۰۰، باب ۱۷، ح ۴.

۴- «اِنَّ اللّهَ لَیَغْفِرُ کُلَّ ذَنْبٍ یَوْمَ الْقِیامَهِ اِلاّ مَهْرَ امْرَأَهٍ». وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب المهور، باب ۱۱، ح ۴

۵- «مَنْ أَمْهَرَ مَهْراً ثُمَّ لا یَنْوِی قَضاءَهُ کانَ بِمَنْزِلَهِ السّارِقِ». (همان، ح ۲)

باشد، زنا کرده است (یا در نزد خدا به منزله زناست).(۱)

د) پاداش بخشش مهریه

همـان گونه که مرد بـا پرداخت مهریه، در تحکیم بنیـان خـانواده نقش دارد و در آیه هـا و روایت هـا نیز به پرداختن آن تأکید فراوان شده است، به همان میزان، زن نیز با بخشـش مهریه، در بهبود وضع نظام خانواده اثر می گذارد. در روایت های بسـیاری نیز به عنوان امری پسندیده بر آن تأکید شده که نمونه های آن به این قرار است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر زنی که قبل از زناشویی، مهر خویش را به همسـرش ببخشد، خداوند در مقابل هر دیناری که می بخشد، پاداش آزاد کردن یـک برده را در نـامه اعمال او ثبت می کنـد. سؤال شـد: بخشـش مهر پس از زناشویی چگونه است؟ حضـرت فرمود: این امر، نشانه دوستی و علاقه مندی ایشان به یکدیگر است.(۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

عـذاب قبر از سه طایفه از زنان برداشـته خواهد شد و با فاطمه علیهاالسـلام دختر پیامبر محشور می شوند. آن سه طایفه عبارتند از: زنی که بر رشک و غیرت شویش شـکیبا باشـد؛ زنی که در برابر بـداخلاقی همسـرش صـبور باشـد؛ زنی که مهر خود را به همسـرش ببخشـد. خداوند به هر یک از آنها ثواب هزار شـهید را می بخشد و برای هر یک، ثواب یک سال عبادت منظور می کند.(۳)

ه_) شرایط مهر

از نظر اسلام، مهریه، جنبه های گوناگون دارد و به دو دسته «مختص» و

۱- قال ابوعبدالله علیه السلام: «مَنْ أَمْهَرَ مَهْراً ثُمَّ لا یَنْوِی قَضاءَهُ کانَ بِمَنْزِلَهِ السّارِقِ». همان، باب ۱، ح

۲- «مـا مِنْ امْرَاَهٍ تَصَـدَّقَتْ عَلی زَوْجِهـا قَبْـلَ أَنْ یَـدْخُلَ بِهـا اِلّـا کَتَبَ اللّهُ لَها مَکانَ کُلِّ دِینارٍ عِتْقَ رَقَبَهٍ، قِیلَ: یا رَسُولَ اللّهِ فَکَیْفَ بِالْهِبَهِ بَعْدَ الدُّخُولِ؟ فَقالَ: رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله اِنَّما ذلِکَ مِنَ الْمَوَدَّهِ وَ الْأُلْفَهِ». همان، باب ۲۶، ح ۱.

۳- ثَلاثٌ مِنَ النِّساءِ یَرْفَعُ اللّهُ عَنْهُنَّ عَـذابَ الْقَبْرِ وَ یَکُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فاطِمَهَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله: امْرَأَهٌ صَبَرَتْ عَلی غَیْرَهِ زَوْجِها وَ امْرَأَهٌ صَبَرَتْ عَلی سُوء خُلُقِ زَوْجِها وَ امْرَأَهٌ وَهَبَتْ صَداقَها لِزَوْجِها، یُعْطِی اللّهُ کُلَّ واحِدَهٍ مِنْهُنَّ ثَوابَ أَلْفِ شَهِیدٍ وَ یَکْتُبُ لِکُلِّ واحِدَهٍ مِنْهُنَّ عِبادَهَ سَنَهٍ. همان، باب ۳۶، ح ۳

«مشترک» تقسیم می شود.(۱)

جنبه اختصاص که مهر را از دیگر عوض ها متمایز می سازد، جنبه ارزشی و معنوی آن است که به عنوان تحفه ای معنوی از جانب مرد به زن داده می شود تا نشان دهنده صداقت و وفاداری مرد به زن و پیمان مقدسی باشد که آنها را زیر یک سقف جمع کرده است. ازاین رو، مهریه باید افزون بر دارا بودن ارزش مالی، از پاک ترین و شایسته ترین چیزها نیز باشد. سیره ائمه علیهم السلام دراین باره همین گونه بود.

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «ما اهل بیت، مهر زنان خود، هزینه حج واجب و کفن اموات خود را از پاک ترین اموالمان می پردازیم».(۲)

جنبه اشتراکی مهریه با دیگر عوض ها در این است که باید ویژگی ها و شرایط مناسبی داشته باشد تا بتواند در یک جریان که ظاهر معاملی دارد، عوض قرار گیرد. آن شرایط عبارتند از:

یک _ مهر باید مالیت و ارزش اقتصادی و مبادله را داشته باشد تا بتواند ضمن عقد نکاح یا خارج از آن، مهر صحیح قلمداد شود. به همین جهت، یک حبه قند یا یک دانه گندم، از آنجا که ارزش مبادله در صحنه داد و ستد اقتصادی را ندارند، نمی توانند مهر قرار گیرند.

دو _ شیء موضوع مهر باید به طور ذاتی، ویژگی تملک برای زن داشته باشد. بنابراین، اموال عمومی مثل بیشه ها، معدن ها، صحراها و موقوفه ها را نمی توان مهریه قرار داد.

قانون مدنی نیز در این زمینه چنین نوشته است: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می توان مهر قرار داد».(۳)

۱- «اِنّا أَهْلُ بَیْتٍ مُهُورُ نِسائِنا وَ حَجُّ صَرورَتِنا وَ أَکْفانُ مَوْتانا مِنْ طُهْرَهِ أَوْطَهُورِ أَمْوالِنا». (بحارالانوار، ج ۴۸، تاریخ الامام موسی بن جعفر علیه السلام، باب ۴۳، ح ۳۸)

۲- نک: تبیین جامعه شناختی مهریه، ص ۱۱۳.

۳- ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی.

شی ء موضوع مهر باید منفعت عقلایی و مشروع داشته باشد؛ یعنی از چیزهایی باشد که در اسلام بتواند معامله شود. بنابراین، ابزار لهو و لعب مثل قمار، شراب، خوک و خنزیر نمی توانند مهریه قرار گیرند؛ زیرا مسلمان نمی تواند مالک این اشیا شود.

شیخ طوسی و برخی دیگر، از عبید بن زواره روایت کرده اند که گفته است: «از امام صادق علیه السلام درباره مهریه مرد و زن مسیحی پرسیدم که مهریه ازدواجشان را شراب و خوک قرار داده بودند و پیش از عمل زناشویی اسلام آورده بودند. امام فرمود: «مرد باید قیمت شراب و خوک را به عنوان مهریه پرداخت کند و بعد عمل زناشویی انجام دهند، ولی عقد نکاحشان درست است و اشکالی ندارد».(۱)

و) میزان مهریه

در آموزه های دینی اسلام به آسان گیری در مهر بسیار سفارش شده است؛ چیزی که امروز در بیشتر جوامع اسلامی بدان عمل نمی شود و جنبه مادی و حقوقی مهر، بر جنبه اخلاقی و معنوی آن در جامعه برتری یافته است. در این زمینه به برخی روایت ها اشاره می کنیم.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «برترین زنان امت من، زنانی هستند که زیبایی شان بیشتر و مهرشان کمتر باشد».(۲)

«بزرگ ترین و بابرکت ترین ازدواج آن است که مهریه در آن کم باشد».(۳)

عایشه نیز از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند: «یکی از نشانه های زن خوب، آن است که فرزند به دنیا آوردنش آسان و مهرش کم باشد».(۴)

۱- «اعتقنی رسول الله صلی الله علیه و آله و جعل عنقی صداقی». وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۳، ح ۲.

۲- لفضل النساء اُمَّتی اصْبَحُهُنَّ وجهاً وَ اَقَلُّهُنَّ مَهْراً؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۵، ج ۹.

۳- «اِنَّ اَعْظَمَ النِّکاحِ بَرَکَةً اَیْسَرُهُنَّ صداقا» عبدالکریم زیدان، المفصل فی احکام مرأه و البیت المسلم فی شریعه الاسلامیه، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۷، ص ۶۴.

۴- عن عایشه: قالت: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: «مِنْ یُمنِ الْمَراَهِ اَنْ تَتَیَسَّرَ خِطْبَتُها، وَ اَنْ یَتیسَّرَ صِداقُها». همان

امام علی علیه السلام در یکی از رهنمودهایش درباره مهریه می فرماید: «مهریه را سنگین نگیرید که این، مایه کینه و دشمنی است».(۱)

کلام مبارک پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم، زینت بخش این سخن است که فرمود: «مهر زنان را سنگین نگیرید؛ زیرا مهر، باران رحمت خداست».(۲)

با این همه یکی از بحث های مهم در مهریه، میزان و مقدار آن است. بنا بر برخی روایت ها در این زمینه، تعیین مقدار و نوع اقلام مورد نظر مهریه، به خواست و رضایت دو طرف عقد، یا به عرف رایج در جامعه که به حسب زمان و مکان و توان افراد، متفاوت می شود، واگذار شده است. مواردی را هم که در آن از میزان یا نمونه های خاصی سخن به میان آمده است، باید از باب تطبیق قاعده بر مصداق بدانیم.

برخی نمونه های روایی درباره میزان مهر چنین است:

ابی صباح کنانی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مهر چیست؟ حضرت در جواب فرمود: «مهر، هر آن چیزی است که مردم بر آن توافق کنند».(۳)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «صداق، چیزی است که دو طرف (زن و شوهر) بر آن توافق کنند؛ کم باشد یا زیاد».(۴)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل است که در پاسخ به پرسشی درباره مهر فرمود:

مهر هر آن چیزی است که مردم بر آن توافق کنند یا مقدار آن دوازده اوقیه و یک نش [عبارت از بیست درهم است] یا پانصد درهم باشد.(۵)

۱- قال علی علیه السلام: «لاتُغالوا بِمُهورِ النِّساءِ فَتَکُونَ عَداوةً». وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۵، ح ۱۲

۲- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم: «لاتُغالوا بمُهورِ النِّساءِ فَاِنَّما هِیَ سُقیا اللّهِ سُبحانَه». بحارالانوار، ج ۱۰۳، ابواب المهور، باب ۱۷، ح ۳۴

۳- عَنْ أَبی عَبْدِاللّهِ قال: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمِهْرِ ما هُوَ؟ قالَ: ما تَراضی عَلَیْهِ النّاسُ. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ابواب المهور، باب ۱، ح ۱

۴- «أَلصَّداقُ ما تَراضَیا عَلَیْهِ مِنْ قَلیلٍ أَوْ کَثیرٍ فَهذَا الصَّداقُ». همان، ح ۳

۵- «قالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَهْرِ فَقالَ ما تَراضی عَلَیْهِ النّاسُ أَوِ اثْنَتا عَشْرَهَ أُوقِیَّهً وَ نَشٌّ أَوْ خَمْسمأَهِ دِرْهَمٍ». همان، ح ۴

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: کمترین حد مهر چه مقدار است؟

امام علیه السلامفرمود: «پیمانه ای از شکر (یا شاخه ای از نبات)».(۱)

برید عجلی از امام باقر علیه السلام درباره مردی پرسید که زنی را در ازای یاددادن سوره ای از قرآن به نکاح خود درآورده است. امام فرمود: «من دوست ندارم تا پیش از آموختن سوره موردنظر و بخشیدن چیزی به زن، زناشویی صورت پذیرد». سپس راوی پرسید: آیا جایز است مقداری خرما یا کشمش به عنوان مهر به او پرداخت شود؟ امام فرمود: «اگر زن به آن راضی باشد، اشکال ندارد؛ مقدار آن هر قدر می خواهد باشد.»(۲)

کنانه می گوید: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مرا آزاد کرد و همین آزادی (از رقیت) را مهر من قرار داد».(۳)

ز) مقدار مهرالسنه

روایت های بسیاری درباره مقدار مهری که پیامبر گرامی اسلام برای همسران و دختران خود قرار داده، وارد شده است که در اصطلاح فقها به مهرالسنه معروف شده و مقدار آن بنا بر روایت های امامان معصوم علیهم السلام عبارت است از پانصد درهم نقره.

امام صادق علیه السلام به نقل از امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

رسول خدا هیچ یک از دختران و زنان خود را به مهر بیش از دوازده اوقیه و یک نش تزویج نکرد. مقدار اوقیه، چهل و مقدار نش، بیست درهم (در مجموع ۵۰۰ درهم) است.(۴)

زراره می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- «قالَ قُلْتُ لَهُ ما أُدْنی ما یُجْزِی ءَ مِنَ الْمَهْرِ؟ قالَ: تِمْثالٌ مِنْ سُکَّرٍ». همان، ح ۲

۲- سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً عَلی أَنْ یُعَلِّمَنَّها سُورَةً مِنْ کِتابِ اللّهِ. فَقالَ: ما أُحِبُّ أَنْ یَدْخُلَ حتّی یُعَلِّمَها السُّورَةَ و یُعطیها شیئا قُلْتَ: أیَجوز اَنْ یُعطیَها تَمراً اَوْ زبیْباً؟ قال: لاباس بذلک اذا رَضِیَتْ به کائناً ما کان». وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۷، ح ۲

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۳، باب احکام تزویج الاماء، ح ۲.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۴، ح ۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلمبرای زنان خود دوازده اوقیه و یک نش مهر قرار داد و اوقیه، چهل درهم و نش، نصف اوقیه، همان بیست درهم است.(۱)

معاویه فرزند وهب می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

رسول خدا برای زنان خویش دوازده اوقیه و نش مهر قرار دارد و اوقیه، چهل درهم و نش، نصف اوقیه یا همان بیست درهم و مجموعاً ۵۰۰ درهم بوده است.(۲)

ح) میزان مهر حضرت فاطمه علیهاالسلام

بنا بر احکام موجود در روایت های باب مهرالسنه، باید مهریه حضرت زهرا علیهاالسلام، به مقدار ۵۰۰ درهم باشد، ولی به دلیل زیاد بودن روایت ها در این زمینه، اختلاف نظر وجود دارد. در روایت ها نمونه های گوناگونی را به عنوان مهر آن حضرت ذکر کرده اند که بدون شک، برخی از آن نمونه ها، بیشتر از معیاری است که در روایت های مهرالسنه گفته شده است. بدین ترتیب، موارد بیشتر از مهرالسنه را در مهر حضرت زهرا علیهاالسلام باید از باب اقتضای شأن و جایگاه والاو مرتبت بلند ایشان دانست.

از سخنان ائمه اطهار دربارهمهریه حضرت زهرا علیهاالسلام می توان دریافت که رعایت کردن مهرالسنه، برای مؤمنان الزامی نیست.

امام صادق علیه السلامفرمود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، فاطمه علیهاالسلام را به عقد علی علیه السلامدرآورد و یک زره حطیمه، با ارزش معادل سی درهم را مهر وی قرار داد.(۳)

امام باقر علیه السلام فرمود:

مهر فاطمه یک جامه کهنه از برد یمانی، یک زره حطیمه و یک پوست

۱- «سَمِعْتُ أَباعَبْدِاللّهِ علیه السلام یَقُولُ مَهرَ رَسُولُ اللّهِ نِساءَهُ اثْنَتَیْ عَشْرَه أُقِیَّهً وَ نَشّاً وَالْأُقِیَّهُ أَرْبَعُونَ دِرْهَماً وَ النَّشُّ نِصْفُ الْأُقِیَّهِ وَ هُوَ عِشْرُونَ دِرْهَماً». همان، ج ۱۵، ابواب المهور، باب ۴، ح ۳.

۲- همان.

۳- همان، باب ۵، ح ۷.

گوسفند بود که از آن، به عنوان فرش و زیرانداز استفاده می کرد.(۱)

امام حسین علیه السلامفرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فاطمه علیهاالسلام را به چهارصد درهم به عقد علی علیه السلام درآورد.» در نقل دیگر، چهارصد مثقال نقره و در نقل سوم، پانصد درهم به عنوان مهر ذکر شده است.(۲)

در روایتی، پیامبر گرامی اسلام خطاب به علی علیه السلام فرمود:

خداوند مرا امر فرموده تا فاطمه را به عقد تو درآورم و من وی را به چهارصد مثقال نقره (به عنوان مهر) به تو تزویج کردم. آیا به چنین مهری راضی هستی؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: به آنچه خدا و رسول او خواسته اند، راضی ام.(۳)

از مجموع روایت های موجود درباره مهرالسنه، چنین برمی آید که مقدار مهرالسنه پانصد درهم بوده است. در روایت ها و سفارش های اخلاقی نیز بر رعایت همان مقدار به عنوان میزان مهر تأکید شده است. همچنین فقهای بزرگوار بر رعایت آن سفارش کرده اند. حال این پرسش مطرح می شود که آیا پیروی کردن از این مقدار به عنوان ملاک برای میزان مهر، واجب است و مؤمنان حق ندارند بیشتر از این مقدار را با عنوان مهر به همسران خویش بدهند؟

حقیقت این است که پیروی کردن از سیره و سنّت نبی مکرم اسلام به عنوان الگویی جامع، در زمینه های نظری، عملی، فردی و اجتماعی یکی از اصول خدشه ناپذیر شریعت است. نیز اجماعی است که قول و عمل حضرت، باید حجت و معیار برای رفتار مؤمنان قرار داده شود.

با این حال عموم فقها اعم از شیعه و سنی، روایت های وارد شده در مهرالسنه را خالی از الزام و وجوب دانسته اند. همه عالمان فقه تعیین مقدار مهرالسنه را به عنوان میزان مهر، به دلیل نفس پیروی از پیامبر و به سبب آسان بودن پرداخت آن مبلغ، نیکو و پسندیده می دانند. با این حال، مؤمنان را مجاز

۱- همان، ج ۱۵، ابواب المهور، باب ۵، ح ۶.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، باب ۵، ح ۲۴.

۳- همان، ج ۱۰۳، کتاب العقود و الایقاعات، باب ۶۳، ح ۶ .

دانسته اند که میزان مهر را با رعایت همه شرایط زمانی و مکانی، وضعیت اقتصادی جامعه و شأن و جایگاه زن و به طور کلی رعایت امور رایج در عرف اندیشمندان در نظر بگیرند و خودشان آن را تعیین کنند. ضمن آنکه رعایت میانه روی را بر عموم مؤمنان گوشزد می کنند.

ط) تعیین مهرالسنه به نرخ روز

برخی از متدینان ممکن است بخواهند به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلمعمل کنند و مقدار مهر را برابر مهرالسنه قرار دهند. در اینجا این پرسش مطرح می شود که مقدار مهرالسنه در عرف جامعه چقدر است؟ در مورد میزان مهر السنه به نرخ روز دو نظر وجود دارد. گروهی از صاحب نظران صرفا با توجه به وزن پانصد درهم نقره به تعیین معادل ریالی آن پرداخته اند که این مبلغ بر اساس قیمت روز نقره در زمان های مختلف از ۹۳۷/۳ ریال تا ۵۰۰/۱۵۷ ریال در نوسان است. بیان برخی نویسندگان این گروه به شرح زیر است:

مقدار مهرالسنه، پانصد درهم است، ولی با در نظر گرفتن شرایط زمانی و اوضاع و احوال اقتصادی موجود، نرخ آن متفاوت خواهد بود.

«پانصد درهم به حساب امروز، قریب ۵/۲۶۲ مثقال پول نقره می شود».(۱)

«مهرالسنه، مقدار ۵/۲۶۲ مثقال پول نقره سکه دار به مثقال صرافان است که از قرار مثقالی ۱۵ ریال، جمعا ۹۳۷/۳ ریال می شود».(۲)

«مهر سنت یا مهرالسنه، مهری است که پیامبر خدا برای دخترش تعیین کرد. این مهر پانصد درهم بود که معادل است با ۵/۲۶۲ مثقال پول نقره مسکوک به مثقال صیرفی (هر مثقال، ۲۴ نخود) که اگر هر مثقال را شش صد ریال حساب کنیم، به پول امروز، بالغ بر ۵۰۰/۱۵۷ ریال خواهد شد».(۳)

۱- محمدباقر محقق، حقوق مدنی زوجین، ۱۳۴۳، ص ۳۴۴.
۲- محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتاب خانه گنج دانش، ۱۳۶۸، چ ۴، ص ۷۰۲.
۳- حسن صفایی و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۹، چ ۳، ص ۱۵۲.

برخی دیگر از صاحب نظران با توجه به معادله ای که همواره میان ارزش درهم (نقره) و دینار (طلا) وجود داشته است به تعیین معادل ریالی مهرالسنه پرداخته اند. این گروه معتقدند که چون در عصر تشریع هر ده درهم نقره برابر با یک دینار طلا بوده است، می توان گفت که پانصد درهم نقره(مهرالسنه) نیز در آن زمان برابر با پنجاه دینار (یا پنجاه مثقال شرعی) طلا بوده است.(۱)

با توجه به مطلب یاد شده و با عنایت به این موضوع که هر مثقال شرعی، ۳/۴ مثقال صیرفی است، معادل ریالی مهرالسنه در عصر حاضر برابر است با معادل ریالی ۵/۳۷ مثقال صیرفی طلا که به نرخ امروز بازار حدود ۰۰۰/۰۰۰/۴۰ ریال می شود.

ص: ۳۹

۱- ر.ك: ابراهیم شفیعی سروستانی و دیگران، قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶، صص ۲۸۴ _ ۲۸۶.

فصل سوم: احکام فقهی مهریه

اشاره

مهریه، عنوانی عام است و نمونه های فراوان دارد. هرکدام از این صنف ها و گونه ها، دارای احکام ویژه ای است که جداگانه طرح و بررسی می شود.

۱. دسته بندی مهر

الف) مهرالمسمّی

اشاره

مهرالمسـمّی، اصلی ترین نوع مهریه است و مقصود از آن مهری است که ضمن عقد ازدواج، به عنوان قرارداد مالی تابع آورده می شود و بهتر است که در ضمن عقد نکاح، به آن تصریح گردد. هر چند ذکر نشدن آن، عقد را باطل نمی کند.

شرایط مهرالمسمّی

اشاره

شـارع مقـدس در چگونگی تعیین مهریه، به مکلفـان، آزادی و اختیـار گسترده ای داده، ولی به عنوان یـک قرارداد مـالی تابع، رعایت برخی شرایط اساسی درباره آن لازم و ضروری است و این شرایط، تقریباً در همه معامله ها وجود دارد.

یک ـ مال بودن

منظور فقها از مال بودن، این است که چیزی که زوجین بر آن توافق می کننـد، قیمت داشـته باشـد. همه چیزهایی که قیمت در معامله و اجرت برای اجاره قرار می گیرد، مهر قرار دادن آن نیز جایز است.

ص: ۴۰

دو _ قابلیت تملک

مهر بایـد چیزی باشـد که زن بتوانـد مالـک آن شود. بنـابراین، اموال و مشترکـات عمومی مثـل معـدن هـا، صـحراها، بـاغ های عمومی و نیز چیزهایی که مالکیت آن برای مسلمان جایز نیست، مثل شراب و گوشت خوک نبایـد مهر قرار داده شوند. «مهر قرار دادن چیزهایی که ارزش و قیمت ندارد، مثل مردار، خون و امثال آن در جریان ازدواج، جایز نیست».

سه _ داشتن منفعت عقلایی و مشروع

مهر بایـد منفعت عقلایـی و مشروع داشته باشـد. چیزی که از نظر شـرع و قانون، فروش یا اسـتفاده آن ممنوع شـده است، مثل شراب، خوک، ابزار لهو و لعب و مواد مخدر را نمی توان مهر قرار داد.

ایـن شـرط، امر مسـتقلی نیست، بلکه از دو شـرط پیش، گرفته شـده است. چیزی که ارزش مـالی داشـته باشـد و به تملـک هم درآیـد، منفعت عقلایـی نیز دارد. به ویژه که فقهـا، بیع میت (مردار) را به آن دلیـل جـایز نمی داننـد که منفعت عقلایی در آن وجود ندارد.

چهار _ تعیین نمونه

مورد مهر بایـد معیّن باشد. بنابراین، شـی ء نامعلوم و مبهم را نمی توان مهر قرار داد. «مهر باید به گونه ای تعیین شود که آن را از ابهام خارج کند. پس اگر گفته شود یکی از این دو لباس یا خیاطی یکی از دو لباس را مهر قرار می دهم، تنها مهر باطل می شود، نه عقد و در این صورت اگر با زن نزدیکی کرده باشد، مهرالمثل است.(۱)

اگر مهریه یکی از شرایط مذکور را نداشته باشد، مثلاً ارزش مالی یا منفعت عقلایی نداشته باشد، عقد به صحت خود باقی می ماند و برای زن در این موارد مهرالمثل ثابت می شود.

۱- سید روح الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۲، ص ۲۹۷.

دلیل باطل نشدن عقد این است که ذکر مهر، از جمله شرایط صحت عقد به شمار نمی آید و مهر فاسد، مثل این است که عقد بدون ذکر مهر منعقد شده است. پس همان گونه که ذکر نشدن مهر، عقد را باطل نمی کند، فساد آن نیز تأثیری در عقد ندارد.

ب) مهرالمثل

اشاره

اسلام این گونه بر مهر تأکید می کند که اگر مهر فاسد شود، مهرالمثل به زن تعلق می گیرد. حتی در روایت ها چنین آمده است که: «لانِکاحَ اِلاّ بِمَهْرٍ؛ نکاح جز با مهر نیست» یا «فَلا یَصْلُحُ نِکاحٌ اِلاّ بِمَهْرٍ؛ نکاح جز با مهر به صلاح (و یا صحیح) نیست».(۱)

یک _ تعریف مهرالمثل

«مهرِ امثال و اقران و نزدیکان زوجه را مهرالمثل گویند».

درباره مهرالمثل دو نکته مهم وجود دارد: نخست اینکه مقصود از امثال که در تعریف مهرالمثل آمده، چه کسانی است؟ دیگر اینکه معیار مثل بودن چیست؟ به عبارتی، زوجه بدون مهرالمسمّی از چه جهاتی باید شبیه نزدیکانش باشد تا مهرش مثل مهر آنان محاسبه شود. سرانجام اینکه در چه مواردی، مهرالمثل به زوجه، تعلق می گیرد؟

دو _ امثال و مهر امثال از دیدگاه فقیهان

مراد از امثال، زنان مشابه و هم قطاران زوجه، از زنان فامیل است. حال اگر از طرف پدر باشد یا مادر، فرقی نمی کند.

«مهرالمثل، به مهر زنان فامیل زوجه، از طرف پدر و مادر تعیین می شود».(۲)

سه _ معیار مشابهت

شیخ مفید از عالمان بزرگ اسلام، ملاک هم سطحی و مثل بودن را در شرف و زیبایی می داند. صاحب جواهر از اندیشمندان بزرگوار معاصر می نویسد:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۸۴.

۲- محمد بن حسن طوسی، استبصار، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۱۲ ه_ . ق، ج ۳، ص ۲۲۵.

آنچه در مهرالمثل معتبر است، موقعیت زن از نظر بزرگی، شرف، زیبایی، سن و سال، دوشیزگی، عقل، ثروتمندی، درایت، پاک دامنی، ادب و مانند این امور است که به واسطه آنها هدف افراد و رغبت آنان گوناگون می شود.(۱)

به طور کلی، آنچه در عرف برای یک زن امتیاز و نقطه قوّت به شمار می آید، در مهرالمثل رعایت می شود. این امتیازها در زمان ها و موقعیت های مختلف، اندکی متفاوت است که باید در همه حال، این تفاوت ها در نظر گرفته شود.

چهار ـ موارد تعلق مهرالمثل

هرگاه میان زوجین قرارداد خاصی درباره مهر وجود ندارد یا قرارداد درستی در زمینه مهر بسته نشده است یا در اصل عقد، اشکالی وجود دارد، مهرالمثل به زن تعلق می گیرد. مواردی که به عنوان مهرالمثل به زن تعلق می گیرد، از این قرار است:

اول) کسی که ازدواج کند و مهر تعیین نکند و با زن نزدیکی کند، بدون اینکه چیزی به زن داده باشد، در این صورت، مهرالمثل به عهده او ثابت می شود.(۲)

دوم) اگر کسی که زنی را به عقد خویش درآوَرد و با وی نزدیکی کند و بعد از آن، فساد عقد معلوم شود، عقد باطل است و در صورت ذکر نشدن مهر در متن عقد، برای زن مهرالمثل تعیین می شود. در واقع، این گونه تعبیر می شود که آن زن، خواهر رضاعی وی بوده و او نمی دانسته یا سبب دیگری از اسباب تحریم، در عقد وجود داشته و او نمی دانسته است.

همچنین کسی که زنی را مجبور به زنا کند، مهرالمثل بر عهده اوست، ولی در صورت رضایت داشتن زن، برای او مهری نیست؛ زیرا در زنا مهر نیست.(۳)

۱- علی اصغر مروارید، ینابع الفقهیه، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۳ هـ . ق، چ ۱، ج ۱۸، ص ۲۶۹.
۲- المقنعه، ص ۵۰۹.
۳- همان.

ج) مهر واگذار شده

تفویض مهر؛ یعنی عقد جاری شود، درحالی که تعیین مهر به یکی از زوجین یا شخص سومی واگذار شده باشد.

«اگر تعیین مقدار مهر به شوهر واگذار شود، هیچ محدودیتی در تعیین مقدار وجود ندارد و برای زن لازم است که آن را بپذیرد. ولی اگر تعیین مقدار به زوجه واگذار شده باشد، زن نمی تواند از مقدار مهرالسنه زیادتر تعیین کند».(۱)

۲. مالکیت مهریه

پیش از اسلام، نه تنها زن حق مالکیت بر چیزی را نداشت، با خود او نیز مانند دارایی شخصی و دیگر اشیای معامله شونده برخورد می شد. حتی در اروپای پیش از قرن بیستم نیز زن در برابر شوهرش استقلال مالی نداشت و بعد از شوهر کردن، در شمار محجوران قرار می گرفت. از اواخر قرن نوزده به بعد، در قوانین آن کشورها تجدید نظر شد و بیشتر آنها برای زن حق مالکیت قائل شدند.

اسلام از بدو ظهورش، مالکیت زن بر اموالش از جمله مهریه اش را به صراحت تأیید و سفارش می کند و در قرآن کریم می فرماید: «وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ؛ و مهر زنان را (به طور کامل) به آنان بپردازید». (نساء: ۴)

اسلام، پرداخت مهر به زن را واجب می داند و در مرحله بعد، مرد را از پس گرفتن مهر زن بدون رضایت او منع می کند:

وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَيْتُمُوهُنَّ. (نساء: ۱۹)

آنان را زیر فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (از مهر)، تملک کنید.

زن به مجرد انعقاد عقد نکاح، مالک کل مهرش می شود و بعد از انجام دادن زناشویی، مالکیت او بر همه مهر قطعی می شود.

۱- زین الدین عاملی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ج ۵، ص ۳۵۰.

پس بنابر قوانین اسلام، مهریه، ملک خالص زوجه است و دیگران در آن حق ندارند؛ حتی «اگر در ضمن عقد، مالکیت غیر زوجه شرط شود، آن شرط از نظر فقیهان درست نیست و عمل به آن لازم نیست. حتی اگر آن شخص، نزدیک ترین فرد به زن باشد، مثل پدرش؛ باز هم آن شرط لازم الوفا نیست»(۱) و مهریه مال زن است.

۳. شیوه پرداخت مهریه

الف) نقدی یا نسیه بودن مهریه

آیا لازم است همه مهر هنگام عقد نکاح یکجا به زن پرداخت شود یا اینکه زوج ملزم به پرداخت نیست و می تواند آن را بعد از عقد نکاح، یکجا یا قسطی به زن بپردازد؟

همه فقهای امامیه، اصل جواز پرداخت مهر به صورت مدت دار یا نقدی را قبول دارند. ازدواج با مهریه مدت دار و نقد درست است، چنان که ازدواج با مهری که مقداری از آن مدت دار و مقدار دیگرش نقد باشد، نیز درست است.

فقها درباره چگونگی تعیین مدت پرداخت، اختلاف نظر دارند که آیا این مدت به صورت دقیق مشخص باشد یا اینکه معلوم بودن اجمالی کفایت می کند و مبهم بودن، از بعضی جهت ها ضرری ندارد. برای مثال، پرداخت مهر را به یکی از دو مدت مرگ یا طلاق موکول کنند. این گونه تعیین مدت، هرچند مقداری اجمال دارد، در واقع معیّن است؛ زیرا بدون تردید، اتفاق خواهد افتاد.

ب) پرداخت مهریه به نرخ روز

اشاره

بحث دیگر در زمینه پرداخت مهریه، چگونگی پرداخت مهریه هایی است که در طول سال های گذشته بنابر آداب و سنن آن زمان معیّن شده و در زمان

۱- محمدبن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق: محمدباقر بهبودی، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، چ ۲، ج ۴، ص ۲۷۶.

خود، مبلغ بسیار بالایی بوده، ولی امروزه به دلیل تورم، ارزش آن بسیار کاهش یافته است. مهریه ای سال ها پیش، پانصد تومان تعیین شده و در آن زمان پانصد تومان معادل قیمت یک خانه بوده است، ولی امروزه قیمت همان خانه هزاران برابر رشد کرده است. هنگام پرداخت این گونه مهریه ها چه باید کرد؟ آیا مرد باید همان مهر معیّن چهل سال پیش را بپردازد یا اینکه قدرت خرید فعلی را در نظر بگیرد و به نرخ روز بپردازد؟

یک _ دیدگاه فقیهان

فقیهان معاصر در برابر این پرسش: «مهری که در عقد ازدواج در سال های پیش تعیین شده و اکنون ارزش پول کاسته شده، با چه میزان بر ذمه زوج ثابت است؟» نظرهای متفاوتی دارند.

آیت الله بهجت رحمه الله

بنا به گفته مسئول پاسخ گویی به سؤالات مسائل شرعی دفتر معظم له: «زوجین به قیمت روز مصالحه کنند».

آیت الله میرزا جواد تبریزی رحمه الله

اگر از قبیل اسکناس و مانند آن است، همان را که تعیین کرده، بدهکار است و اگر از قبیل سکه طلا و نقره است، مثل آن در ذمّه شوهر مستقر شده و آن را باید بپردازد. وَاللّهُ الْعالِمُ.

مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای

نسبت به تفاوت ارزش پول، احوط مصالحه است و اگر در این زمینه قانونی وجود داشته باشد، باید مراعات شود.

آیت الله سیستانی

ملاک، همان مبلغ ذکر شده است، نه قیمت فعلی آن.

آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله

به همان مقدار که ابتدا بر ذمّه آمده است و کم شدن از آن، یعنی قدرت خرید نقشی ندارد؛ زیرا پول از مثلیات است نه قیمیات.

ص: ۴۶

آیت الله مکارم شیرازی

اگر زمان زیادی گذشته، باید طبق قیمت روز (با محاسبه تورم متوسط اشیا) پرداخت شود.

دو _ دیدگاه قانون مدنی ایران

بحث پرداخت مهریه، ضمن طرحی در آذر ۱۳۷۵ به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و آن طرح، الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی درباره مهریه بانوان بود. بحث اصلی این بود که مهریه چگونه محاسبه شود؛ آیا به نرخ روز یا به همان مقداری که زمان عقد معین شده است؟

در این طرح که در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از تأیید شورای نگهبان نیز گذشت، آمده است:

چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه، زمان پرداخت نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر اینکه زوجین هنگام اجرای عقد به نحو دیگری توافق کرده باشند.

در روش محاسبه مهریه به نرخ روز، متوسط شاخص بها در سال گذشته، بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد تقسیم می شود، سپس در مهریه مندرج در عقدنامه، ضرب می شود. در مواردی که مهریه زوجه باید از اموال به جامانده متوفا پرداخت شود، تاریخ فوت مبنای محاسبه خواهد بود.

متوسط شاخص بها در سال قبل یا سال فوت همسر

مبلغ مهریه در عقد نامه = مهریه به نرخ روز

شاخص بها در سال وقوع عقد

برای مثال، اگر مبلغ مهریه کسی در سال ۱۳۵۸، هفتاد هزار تومان بود و بخواهد آن را در سال ۱۳۸۳ پرداخت کند، این گونه محاسبه می شود: تومان ۵۷۲۹۴۱۵ = ۷۰۰۰۰ × ۲۳۸/۱۸:۲/۹۱

ص: ۴۷

اگر مهریه او در سال ۱۳۳۰ پنج هزار تومان بوده و همسر وی در سال ۱۳۷۹ فوت کرده باشد، مبلغ مهریه او ۱۷۳۵۹۷۸ تومان خواهد شد.

۴. عوامل استقرار مهر

زن بعد از عقد نکاح، مالك مهر می شود. البته مالکیت او بر نصف مهر قطعی است، ولی نصف دیگر آن به واسطه برخی از عوامل مانند طلاق قبل از نزدیکی، ساقط می شود. در مقابل، عواملی نیز وجود دارند که مالکیت بر نصف دوم را قطعی می سازد. عواملی که مالکیت را بر همه مهر قطعی می سازد، عبارتند از:

الف) نزدیکی؛

ب) فوت زوج یا زوجه؛

ج) ارتداد زوج.

درباره عامل اول (نزدیکی)، میان فقهای مسلمان اتفاق نظر وجود دارد.

همه فقها قبول دارند چنانچه فوت زوج یا زوجه بعد از نزدیکی اتفاق بیفتد، مالکیت زوجه بر تمام مهر قطعی است. فقیهان در مورد بار شدن مهریه، بر فوت قبل از نزدیکی نظر یکسانی ندارند. حضرت امام رحمه الله می فرماید:

اگر یکی از زوجین قبل از نزدیکی بمیرد، مهریه نصف می شود، به ویژه اگر زن مرده باشد، ولی بهتر و به احتیاط نزدیك تر این است که مصالحه کنند، به ویژه اگر مرد فوت کرده باشد.(۱)

درباره عامل سوم یا همان ارتداد باید گفت اگر پیش از نزدیکی، یکی از زوجین مرتد شود، دو صورت دارد: یا ارتداد از ناحیه زن است که فقها گفته اند در این صورت، به دلیل اقدام به ارتداد، مهریه اش ساقط می شود. ولی

۱- ۱.امام خمینی، تحریرالوسیله، تهران، مکتبه اعتماد کاظمینی، ۱۳۶۶، چ ۶، ج ۶، ص ۲۶۹.

اگر شوهر مرتـد شـده باشـد، فقهای امامیه درباره حکم آن اختلاف دارنـد. برخی می گویند: در چنین حالی، زن مسـتحق همه مهر خود است؛ زیرا سـبب انحلال عقـد، شوهر است و نه زن. بیشتر فقهـای امامیه، این مورد را به طلاق پیش از نزدیکی تشبیه کرده اند؛(۱) یعنی زن مستحق نصف مهر است.

۵. مهر در ازدواج موقت

به مهریه عقد موقت، «مهر المتعه» گفته می شود. در عقد موقت، مهر از ارکان آن به شمار می آید و اگر ذکر نشود، عقد باطل است. ارکان عقد موقت، چهار چیز است: صیغه، زوجین، مدت، مهر.

بنابر صحیحه زراره، امام صادق علیه السلام می فرماید: «نکاح موقت منعقد نمی شود، مگر با ذکر مدت و مهر در آن».(۲)

در ازدواج مـوقت، زن بـه سـبب عقـد، مالـك مهر می شـود، ولی در اینکه به مجرد عقـد می توانـد آن را طلب کنـد یـا خیر و پرداخت همه آن به محض انعقـاد عقـد، به شوهر واجب می شود یا خیر، نظرهای متفاوتی وجود دارد. گروهی از فقیهان گفته اند که زن تا پایان یافتن مدت عقد، استحقاق طلب کردن همه مهر را ندارد.

در برابر این نظریه، عده ای از فقها معتقدند که پرداخت مهر و اجرت در عقد موقت، به مجرد انعقاد عقد واجب می شود، ولی مالکیت زن بر تمام مهر زمانی استقرار می یابد که زن تا پایان مدت عقد ازدواج، اطاعت کرده باشد.

۱- زرین باباخانی، مهریه حقوق خاصه زوجه، مؤسسه فرهنگی نشر رامین، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۷۸.

۲- وسائل الشیعه، ابواب متعه، باب ۱۷، ح ۱.

فصل چهارم: کارکردهای اجتماعی مهریه

اشاره

در این بخش به مسائل و پرسش های اساسی در زمینه مهریه اشاره می شود. به طور کلی، دو چشم انداز و دو گونه تحلیل درباره مهریه وجود دارد. مخالفان مهریه معتقدند مهریه، قیمت زن و مخالف شئون و جایگاه اوست، با این استدلال که زندگی در جوامع مدرن، مبنای عاطفی و عاشقانه دارد و نباید صورت خرید و فروش به خود بگیرد. دغدغه دیگر مخالفان مهریه این است که مهریه، ازدواج را از حالت معنوی خارج می کند و به آن رنگ مادی می دهد و رنگ مادی گرفتن ازدواج، به معنای سست کردن بنیان خانواده است.

در مقابل، تحلیل هایی وجود دارد که مهریه را عامل استحکام خانواده می داند و معتقد است که مهریه، اهرم فشار بر مردان به نفع زنان است. حال به این پرسش باید پاسخ داد که آیا به طور قطع، چنین اهرمی در تحقق و تثبیت حقوق زنان، کارساز است یا خیر؟ اگر کارساز نباشد، پس جایگاه مهریه در زندگی خانوادگی چیست؟ و اگر کارساز هم باشد، آیا با دیدگاه اسلام در زمینه مهریه سازگار است؟ یعنی آیا هدف واقعی اسلام از قرار دادن مهریه در ازدواج، چنین هدف هایی است؟ برای نمونه، هدف اسلام از مهریه، مبارزه با طلاق بوده است یا اینکه مهریه به طلاق ربطی ندارد؟ اگر تأثیری

هم داشته باشد، غیرمستقیم خواهد بود و هرگز هدف اولیه اسلام از مهریه، مهار کردن طلاق نیست. اگر این کارکرد پذیرفته نشود، پس دیگر کارکردها و فایده های احتمالی و پیش بینی شده مهریه کدامند؟ اندیشمندان مسلمان چه فایده هایی برای مهریه ذکر کرده اند؟

این مطالب و دغدغه ها، هسته اولیه مطالب این فصل است که محورهای اصلی آن، ماهیت مهریه، ضرورت مهریه، فایده مهریه، رابطه مهریه با سهم الارث زنان و دیگر مسائل مرتبط تعیین شده است. با بررسی این محورهای کوتاه و جامع می توانیم درستی یا نادرستی آنها را ارزیابی کنیم.

نخست به بررسی آثار و کارکردهای مهریه می پردازیم که با اصل عقد ازدواج مرتبط می شود.

۱. نقش مهریه در عقد

اشاره

برخی از کارکردهای مهریه، به طور مستقیم به اصل عقد ازدواج مربوط می شود. این کارکردها عبارتند از:

الف) نشانه اهمیت عقد

معمولاً کارها و امور با ارزش، همراه با تشریفات و در قالب آیین ها و مناسک ویژه و با آداب و سنن انجام می شود، درحالی که امور بی ارزش، به صورت ساده و مختصر انجام می گیرد. مهریه در شمار آداب و شعائری قرار دارد که گواه بر حرمت، احترام، قداست و اهمیت پیمان زناشویی است. حکمت واجب بودن مهر در عقد نکاح، نشان دادن شرافت و برتری این عقد است، نه به عنوان قیمت در خرید و فروش یا اجرت اجیر؛ زیرا اگر چنین بود، تعیین آن در آغاز عقد، واجب و عقد، بدون آن باطل می شد.

«پرداخت مهر، مسئله را از سادگی بیرون می آورد و تشریفات اسلامی خطبه، عقد، صداق، سفره، حجله همگی بدین منظور است که کار از سادگی

ص: درآید؛ که هرچه به سادگی

بـه دست آیـد، به سـادگی از دست می رود(۱) دربـاره مهریه زن بایـد گفت که فلسـفه یـا یکی از علل امضای آن در اسـلام، استحکام رابطه همسری است؛ زیرا اضافه شدن شرایط و مقررات در هر عقد و قرارداد، از اهمیت موضوع و قوّت علقه مربوطه خبر می دهـد، نه آنکه علت اصـلی آن باشد که ازدواج جزو اموری همچون خرید و فروش است. ازاین رو، اگر در روایت ها، کلمه شـراء ذکر می شود، به عنوان تشبیه است، نه شـرای حقیقی؛ وگرنه دیگر احکام خرید و فروش مانند صـیغه خاص، تعیین مبیع و خیـار فسـخ در آن جـاری می شـد. فلسـفه آن نیز جریان یافتن وضع اجتماعات بشـری است که به طور معمول زن ها به اقتضای مزاج یا اشتغال به خانه داری و تربیت اولاد، درآمدی همانند مردان نداشته اند.(۲)

ب) تقویت جنبه معنوی عقد

مهریه نشـانه ای بر تقـدس و الهی بودن پیمـان ازدواج در اسـلام است و البته همین جنبه مهریه برای مردم اهمیت بیشتری دارد. جلوه آشـکار این باور نیز آن است که در بیشتر موارد به همراه مهریه، یک جلد کلام اللّه مجید یا یک حج یا یک شاخه نبات تعیین می شود و گاهی خود همین امور معنوی، به تنهایی مهریه قرار می گیرد.

در حقیقت، مهریه را نمی توان از جهت مادی تبیین و تفسیر کرد؛ زیرا در مکتب اسلام هیچ تکلیف و وظیفه اجباری از زن در خانه خواسـته نشـده است تا در مقابل آن، به زن مهریه تعلق بگیرد. مهر را نمی توان ابزاری برای خرید زن، مزد خدمات او در خـانه شوهر، پشـتوانه ای برای دوران جـدایی و ذخیره ای برای دوران پس از مرگ همسـر دانست. بـدین ترتیب، مرد در سـایه ازدواج،

۱- سیدرضا پاک نژاد، ازدواج مکتب انسان ساز ، ی یزد، مؤسسه اشکذر، چ ۴، ص ۱۹۷

۲- نک: علی مشکینی، ازدواج در اسلام، ترجمه: احمد جنتی، انتشارات یاسر، ص ۷۶.

حق تملک بر زن را پیدا نمی کند و از این رهگذر، نمی تواند او را به کارهای خانه مجبور کند.

ج) مانع طلاق

بـدون شک، مانع طلاق بودن، پرکاربردترین اثر مهریه در زنـدگی امروزی است. از دیـدگاه بسـیاری از مردم، کارکرد مهریه، جلوگیری کردن از طلاق و بیمه کردن عقـد زناشویی است. برخی از خانواده ها تصور می کنند درصورتی که مردان بخواهند از حق خود در زمینه طلاق اسـتفاده کنند، زنان نیز می توانند مهریه خود را مطالبه کنند و همین ترس از پرداخت مهریه، عاملی بازدارنـده است که مردان را از طلاق منصرف می کنـد. به ویژه اگر مهریه به حـدی باشـد که شوهران، از پرداخت آن ناتوان باشـند. در نتیجه، میـان مردان و زنـان نوعی تعادل پدیـد می آیـد و زن در مقابل حق طلاق مرد، حق مطالبه مهریه را چاره ساز مشکل می یابد. برای اینکه روابط زوج و زوجه به طور کل محفوظ بماند، شرع اسلام قواعدی را مقرر داشته، چنان که دستور فرموده است: زوج پیش از نکاح، حقی و مبلغی را به عنوان «صداق» و «مهریه» برای زن در نظر بگیرد.

از آنجا که ممکن است طلاق مایه خسارت زن شود، اسلام برای جبران این خسارت، مقرراتی بنا نهاده و برای مرد شرط هایی گذاشـته است که بی سبب، در صدد طلاق برنیاید. مرد مکلف است مهر زن را بپردازد و حق ندارد هنگام طلاق، چیزی از آن را پس بگیرد. این خسارت مالی و مخارجی که برای تجدیـد زناشویی بر عهـده مرد قرار می گیرد، کافی است که او را از فکر طلاق، مگر در مواقع ناچاری منصرف کند.(۱)

۱- نک: حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶، چ ۶، ص ۲۰۱.

در متون دینی به این کارکرد مهریه هیچ گونه اشاره ای نشده است، بلکه برعکس، تعبیرهایی مانند نحله که در قرآن به چشم می خورد، با این گونه کارکردها ناسازگار است و در اصل، سازمان دهی پرداخت مهریه در صدر اسلام، با آنچه امروزه رواج یافته، متفاوت بوده است. مهریه در صدر اسلام، به صورت نقدی در ابتدای ازدواج پرداخت می شد، در حالی که امروزه مهریه در قباله ازدواج ثبت می شود و بر عهده مردان باقی می ماند و فقط به عنوان ضمانت روز مبادا برای زن کارکرد دارد. برخی، مهریه را نوعی ضمانت می دانند؛ زیرا عقیده دارند زن در بافت اجتماعی، حلقه شکننده تری است. البته این ضمانت، در جنبه شرعی مهریه لحاظ نشده، ولی در واقع چنین است.(۱)

بدین ترتیب، از نظر شرعی، مهریه برای بیمه کردن زندگی زنان نبوده، بلکه در طول زمان، این فرهنگ در جامعه چنین شکل گرفته است که از مهریه بدین منظور یاری بجویند. حال آنکه باید پرسید آیا مهریه برای رسیدن به این خواسته، ابزار مناسبی است؟ آیا تجربه گواهی می دهد که مهریه بتواند از طلاق جلوگیری کند؟ به نظر می رسد داشتن انتظار چنین کارکردی از مهریه، دور از واقعیت است.

زندگی هایی که در وضع ناخوشایند از هم پاشیدن هستند، با مهریه نمی توانند تداوم یابند و اگر پابرجا نیز بمانند، زندگی چندان مطلوب و امیدوارکننده ای نخواهند بود. اگرچه برخی بر این باورند که مهریه می تواند برای زندگی آینده زن، ضمانت اقتصادی پدید آورد و شوهر را از طلاق دادن منصرف کند. تجربه نشان داده است اگر شوهر، تندخو و از اخلاق شایسته

۱- نک: سید محمدحسین فضل اللّه، دنیای زن، ترجمه: واحد ترجمه دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۳۱۸.

بی بهره باشد، آن چنان با همسرش بدرفتاری می کند و بر او فشار می آورد که مهریه خود را با چیزی افزون بر آن می بخشد تا از ستم و زورگویی او رها شود.

در واقع، ابزارهای اجتماعی مناسبی که بتواند میان زن و شوهر عدالت برقرار کند، وجود ندارد. بنابراین، دختران باید در انتخاب همسر، اخلاق و تدیّن را ملاک اصلی قرار دهند. همچنین گاهی ممکن است مهریه، عامل فشار به برخی مردان باشد و به اجبار به آن زندگی تن دهند که نمی پسندند، ولی از ترس پرداخت مهریه نمی توانند به طلاق دست یازند. در این صورت، بهای حمایت از حقوق زن، ظلم به مرد و در واقع، ظلم به همه این گونه خانواده هاست. البته می توان ضمانت هایی مانند شرط ضمن عقد را به جای مهریه مطرح کرد.

بدین ترتیب، مهریه، کسانی را که به صورت آنی و از روی هوا و هوس تصمیم می گیرند، به تأمل و دقت بیشتر وا می دارد و نیز کمک اندکی برای زن، بعد از طلاق گرفتن است. اسلام برای جلوگیری از طلاق، روش هایی از جمله توجه به ویژگی های دو زوج و همسان بودن آنها پیش از ازدواج را بیان کرده است. تغییر کارکرد مهریه برای جلوگیری از طلاق، سبب کم رنگ شدن کارکردهای اصلی مهریه می شود، در حالی که هر امری باید بجا و مناسب رعایت شود تا اثرگذاری خاص خود را در پی داشته باشد.

۲. آثار مهریه برای موقعیت زن

اشاره

برخی دیگر از آثار مهریه، به طور مستقیم بر موقعیت زن در عقد، ازدواج و اجتماع اثر می گذارد؛ زیرا بنابر بسیاری از تحلیل ها، مهریه، عاملی برای پایداری و استواری جایگاه زن در جامعه است. مهریه، راهی برای آشکار ساختن ارزش زن در هرم اجتماعی و مایه رشد عاطفی و شخصیتی اوست.

الف) کسب رضایت و ارزش بخشی به موقعیت معنوی زن

دیدگاه اندیشمند بزرگ، استاد مرتضی مطهری درباره مهریه چنین است:

زن و مرد، خصوصیات، ویژگی ها و حقوق متمایز و نامتشابه دارند و به لحاظ زیستی و روانی و از بعضی جهات، متفاوت می باشند. مهر، یکی از نمونه هایی است که می رساند زن و مرد، با استعدادهای نامتشابهی آفریده شده اند و قانون خلقت از لحاظ حقوق فطری و طبیعی، سندهای نامتشابهی به دست آنها داده است... نقش زن و مرد در مسئله عشق، مغایر نقش دیگری است. عرفا این قانون را به سراسر هستی سرایت می دهند و می گویند... قانون عشق و جذب و انجذاب بر سراسر موجودات و مخلوقات حکومت می کند.

زن و مرد، برخی تفاوت های طبیعی و روانی با همدیگر دارند. این تفاوت ها سبب می شود که هریک از زنان و مردان، نقاط قوّت و ضعف ویژه خود را داشته باشند. برخی اسباب و عوامل، در طبیعت فراهم آمده که این تفاوت ها و تمایزها ضرری به جریان تعاملات اجتماعی ـ خانوادگی نداشته باشد و با وجود تفاوت ها، وقفه ای در جریان مناسبت ها و امور جامعه پدید نیاید. این اسباب و عوامل، اثر تفاوت ها را محو می کنند و در مجموع، روابط زن و مرد متعادل می شود.

پدید آمدن مهر، نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها با یکدیگر به کار رفته است.

... علاوه بر اینکه مهریه تعدیل کننده روابط زن و مرد است، بدین دلیل که مرد از توان جسمی بیشتری نسبت به زن برخوردار است، ولی مهریه نشانه و گواهی بر قدرت نهفته و سرشته در وجود زن می باشد. به همین جهت، مهریه، موقعیت و جایگاه زن را در تقابل پیوند زناشویی بهبود می بخشد و ضعف جسمی زن را جبران می کند. قانون خلقت، جمال و غرور و بی نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق را در جانب مرد، قرار داده است. ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی مرد، به همین وسیله تعدیل و همین جهت موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری می کرده است.

همچنین مهریه، نشانه ای بر سپاس گزاری مرد از اجابت دعوتش از جانب زن است و این آثار در نهایت، علقه خانوادگی را مستحکم تر می کند.

ص: ۵۶

عشـق رمانتیـک که امروزه نیز به عنوان یـک امر زیربنـایی در ازدواج قلمـداد می شود، به همین قـدرت زنـانه برمی گردد. زن توانسـته است، با همه ناتوانی جسـمی، مرد را به عنوان خواسـتگار به آسـتانه خود بکشانـد، مردها را به رقابت با یکدیگر وادار کنـد، بـا خـارج کردن خود از دسترس مردان، عشق رمانتیک به وجود آوَرَد، مجنون ها را به دنبال لیلی ها بدوانـد و آنگاه که تن به ازدواج با مرد می دهد، عطیه و پیشکشی از او به عنوان نشانه ای از صداقت او دریافت دارد.

زن به کمک عفافش، غیر قابل دسترس تر از مرد است و این توانایی را دارد که مرد را به دنبال خود بکشاند و او را وادار کند که برای جلب رضایتش تلاش کند؛ زیرا زن، خود را رایگان در اختیار مرد قرار نمی دهد و مرد باید برای ابراز عشق و علاقه و صداقتش، هدیه و بخششی را به زن تقدیم کند.

مرد در مقابل غریزه، از زن ناتوان تر است. این خصوصیت، همواره به زن فرصت داده که دنبال مرد نرود و زود تسلیم او نشود و برعکس، مرد را وادار کرده که به زن اظهار نیاز و برای جلب رضایت او اقـدام کنـد. یکی از این اقدامات، این بوده که برای جلب رضای او و به احترام موافقت او، هدیه ای نثار او می کرده است.(۱)

استاد مطهری معتقد است:

زن از این جهت با حیاست که می خواهـد، این برگ برنـده را همواره نگه دارد. مهر، با حیا و عفاف زنان یک ریشه دارد. زن بـا الهـام فطری، دریـافته که عزت و احترام او، به این است که خود را رایگـان در اختیار مرد قرار ندهـد و به اصـطلاح، شـیرین بفروشد.

[زن به کمک] همین قدرت زنانه است که توانسـته در طول تاریخ، شخصـیت خود را حفظ کند؛ به دنبال مرد نرود و مرد را به عنوان خواسـتگار به آسـتانه خود بکشاند و هر موقع که از این نقطه قوّت خود استفاده کرده، توانسته چنان مردان را به جان هم اندازد که گاهی به نابودی و مرگ آنان ختم شده است. زن توانسته حیا و عفاف را شعار خود قرار دهد؛ بدن خود را از چشم

۱- نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۳۷.

مرد مستور نگه دارد و خود را اسرارآمیز جلوه دهد؛ الهام بخش مرد و خالق عشق او باشد؛ هنرآموز و شجاعت بخش و نبوغ آفرین او واقع شود؛ در او حس تغزل و ستایش گری به وجود آورد و او به فروتنی و خاکساری و ناچیزی خود در مقابل زن ببالد. همان قدرت توانسته است مرد را وادار کند که هنگام ازدواج، عطیه ای به نام مهر تقدیم کند.(۱)

استاد مطهری، مهر را تدبیر آفرینش در وجود انسان می داند و تحلیل مادی صرف را کنار می گذارد و در نهایت نیز جنبه معنوی مهریه را با ارزش تر می داند، هرچند تنها به بیان ارزش معنوی آن بسنده نمی کند. به نظر این اندیشمند وارسته:

مهر، تدبیری از ناحیه قانون خلقت، برای بالا بردن ارزش زن و قرار دادن او در سطح عالی تری است. مهر به زن شخصیت می دهد و ارزش معنوی مهر برای زن، بیش از ارزش مادی آن است.(۲)

بنابراین دیدگاه، جنبه معنوی مهریه، آشکارتر و مؤثرتر از جنبه مادی آن است. بدین دلیل که مهریه، نشانه راستی و جلوه وفاداری مرد است و هرگز نباید ارزش آن را به قیمت زن یا این گونه امور پایین آورد.

در قرآن کریم نیز مهر، هدیه و پیشکش از سوی مرد به زنان معرفی می شود. خداوند در قرآن کریم آشکارا بیان می کند که مهر، عنوانی جز عطیه و پیشکش ندارد. همچنین اسلام، قوانین اقتصادی خود را چنان تنظیم کرده که مرد، حق هیچ گونه بهره برداری اقتصادی از زن را ندارد. در این صورت، چگونه می توان مهر را قیمت زن دانست؟

تقویت جنبه معنوی مهریه؛ یعنی اینکه مهریه برای ایجاد تعادل در ارتباط زن و مرد و عاملی برای تقویت جایگاه زن قرار داده شده است.

۱- همان، صص ۲۳۵ _ ۲۴۶.

۲- همان، ص ۲۳۸.

ب) دریافت هدیه

قرآن از مهر، به نحله تعبیر کرده است؛(۱) یعنی مهریه، هبه و بخشش و پیشکش از ناحیه مرد برای زن است. براساس این آیه، بسیاری از اندیشمندان، مهریه را تنها یک هدیه می دانند و معتقدند کارکرد اصلی مهریه، مبارزه با طلاق یا چنین مواردی نیست، بلکه مهریه، هدیه ای است که رضایت و اعتماد و دل خوشی زن را به دنبال دارد. از آنجا که در قرآن کریم، از مهریه به عنوان صدقه و نحله یاد شده است، این تعبیر بر این نکته دلالت دارد که مهر، هدیه ای است از جانب مرد به زن که برای نزدیک و مهربان ساختن قلب ها پرداخت می شود.

فقیهان در بحث از ضرورت یا بی تأثیری مهر در عقد نکاح، به این نتیجه رسیده اند که عقد نکاح بدون مهر، صحیح است و حتی شرطِ ندادن مهر نیز عقد نکاح را باطل نمی کند؛ زیرا نقش اصلی مهر، در واقع هدیه بودن است.(۲)

فلسفه وجودی مهر نیز این است که مرد بدون آنکه فکر تملک زن را به ذهن خود راه بدهد، برای ایجاد دوستی و صمیمیت خانوادگی، باید مالی را به عنوان هبه مقرر شده، به زوجه تملیک کند.(۳)

مهر، هدیه ای است که مایه خشنودی و اطمینان خاطر زن می شود و در اصل، به جهت عاطفی، زنان از هدیه گرفتن و مردان از هدیه دادن ارضا می شوند. این ویژگی، در سرشت زنان و مردان به ودیعه نهاده شده است. مهریه، ابزاری است در خدمت این ویژگی فطری و روانی زنان و مردان.(۴)

ص: ۵۹

۱- نک: نساء: ۴.

۲- نک: یوسف بن علی مطهر حلی، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، تهران، نشر اسماعیلیان، ۱۳۸۹هـ . ق، ج ۳، ص ۱۳.

۳- نک: محمد عبده بروجردی، کلیات حقوق اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۲۰۵.

۴- نک: مرتضی مطهری، یادداشتهای استاد، تهران، صدرا، ۱۳۸۲، چ ۲، ج ۵، ص ۱۱۰.

هـدیه حتی اگر ارزش مـادی زیـادی نداشـته باشـد، از جهت معنوی باارزش است؛ زیرا نشان می دهـد که مرد با درون پاک و قلب سـرشار از صـفا و محبت، زن را می خواهـد. جنبه نمادین این هدیه ها در جامعه اجازه نمی دهد که به ارزش مادی آن به درستی توجه شود.

این تفسـیر از مهر را برخی از نویسـندگان ردّ کرده اند. آنان بر این باورند که نمی توان مهریه را هبه و بخشش صرف دانست؛ زیرا هبه و بخشـش در اسـلام، احکامی دارد که با شـرایط مهریه سازگار نیست. از جمله اینکه بخشش را همواره می توان پس گرفـت و الزامی در پرداخت آن نیز وجـود نـدارد، درحـالی که پرداخت مهریه واجب است و مرد حـق هیـچ گـونه پس گیری نـدارد. نحله نیز که در قرآن آمـده، به معنای پایبنـدی به نوعی مـذهب است. نحله از انتحال مشـتق شـده و به معنای دین داری است، چنـان که گفته می شـود: فلانـی آن مـذهب را برگزیـد. همچنین هبه، عقـدی است که احکـام و مقررات ویژه دارد، در صورتی که در مهر اثری از آن گونه احکام دیده نمی شود.(۱)

بیشتر مفسـران و لغت نویسان معتبر، مخالف این هستند که نحله در این آیه به معنای دین داری باشد. آنان، نحله را در این آیه به معنای هدیه دانسـته اند. درباره اینکه مهریه چگونه هدیه ای است که پرداخت آن الزامی است، برخی گفته اند مهریه، هدیه ای از سوی خداوند برای زنان است. بدین مناسبت که مهریه، پیش از اسلام، مالی بود که پدر عروس آن را تحویل می گرفت و قیمت زن به شـمار می آمـد و در واقع، ابزار و نشـانه موقعیت فرودست زن هـا بود. بـدین ترتیب، خداونـد این سـنّت پست و توهین آمیز را برداشت و مهریه را به خود زن اختصاص داد و نشان داد مهریه به پدر عروس یا کس دیگری

۱- نک: علی آراد، مهر، تاریخچه و ماهیت و احکام آن، تهران، چاپ مصطفوی، ۱۳۴۱، چ ۱، ص ۱۱.

تعلق ندارد. صداق، در مقابل تمتع و لذت جویی مرد از زن نیست؛ زیرا خداوند، فایده های نکاح _ ارضای شهوت و صاحب فرزند شدن _ را میان زن و مرد، مشترک قرار داده است. پس حکمت این مسئله که خداوند، مرد را به پرداخت مهریه امر کرده، در مرحله نخست، گویای عطیه بودن مهر از سوی خداوند به زن است. بر این اساس، برخی مهریه را هدیه می دانند و برخی دیگر آن را قبول ندارند.

ج) پشتوانه ای در برابر حوادث

پیشامدهایی از قبیل جدایی و از هم پاشیدن زندگی یا مرگ شوهر، تهدیدکننده زندگی زناشویی اند. این گونه حوادث، زن را یک باره در وضع دشوار، ناگوار و بحرانی قرار می دهد و او باید در موقعیت های جدید، مسئولیت هایی را ایفا کند که از پیش برای آنها آمادگی نداشت و برعهده مرد بود. تا زمانی که زن برای این وظایف جدید آمادگی یابد، باید از او برای رویارویی با این وضع پیش آمده حمایت شود. زن طلاق گرفته، مانند دیگر انسان ها نیازمند سرپناه، مسکن، خوراک و پوشاک مناسب است، ولی گاه کسی نیست که این امکانات را برای او فراهم کند. همچنین پس از مرگ شوهر ممکن است ورثه، اموال شوهر را میان خود قسمت کنند، در حالی که زن بیشتر بدان نیازمند است و پس از مرگ شوهر یا جدایی از وی، باید از امکانات اولیه زندگی برخوردار باشد تا بتواند به گونه ای شایسته و به دور از هرگونه ذلت به زندگی ادامه دهد. در همه مواردی که به آنها اشاره شد، مهریه، ابزاری است که می توان از آن در برابر این گونه رویدادها و موقعیت ها بهره برد و با آن، به حمایت از زن برخاست. مهر، یعنی ذخیره زندگی آینده زن که می تواند دست کم برای مدتی که زن وضع روشنی برای زندگی آینده خود پیدا نکرده است، کمکی مؤثر برای او باشد.

بنابراین دیدگاه، سفارش آموزه های روایی بر دوری از مهریه های کم، بدین دلیل است که مهریه های بسیار پایین و ناچیز نمی تواند عامل حمایتی مناسبی برای زن باشد.(۱)

ساده ترین اِشکالی که بر این دیدگاه وارد است، ناسازگار بودن آن با دستورهای ارزشمند اسلام در آسان و کم گرفتن مهریه است. در نتیجه، کارکردهای تعریف شده برای مهریه را باید بهتر شناخت و همان ها را نیز از مهریه توقع داشت و دیگر نیازها را از راه های مؤثرتری تأمین کرد.

د) نشانه شخصیت زن

با دقت در مجموعه آموزه های دینی و سیره دین داران درباره مهریه درمی یابیم مهریه، ضامن پایداری زندگی زناشویی، جبران زحمت های زن در خانه و پرداخت کمبود حقوق مالی وی نمی شود، بلکه مهریه بیشتر نوعی عامل معنوی و حمایتی به شمار می آید. تعبیرهای قرآنی مانند نحله به معنای هدیه، و صداق به معنای صدق و صفا می تواند تأییدی بر همین معنا باشد. مهریه، نشانه ای از بزرگواری نفس و بلندی جایگاه و پاکی سرشت زن است و اعتماد وی به زندگی و خودباوری او را نسبت به گوهر وجودی اش بیشتر می کند و به این باور می رسد که زندگی زناشویی، عامل خوشبختی، بهروزی، سعادتمندی و مهرورزی است. همچنین درمی یابد در زندگی، شریکی همدل و همراز برای او هست که در همین ابتدای زندگی برای بنای پایه های زندگی و استحکام آن، سخاوتمندانه می بخشد. البته رسیدن به این خواسته ها زمانی ممکن است که مهریه یا دست کم بخشی از آن، در ابتدای زندگی به زن پرداخت شود. مهریه هایی که به صورت نسیه برعهده مرد قرار می گیرند، گاه برای دستیابی به چنین هدف هایی کارآیی بالایی دارند، ولی کارکردشان

۱- نک: حسین حقانی زنجانی، حقوق خانواده در اسلام، قم، دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۰، چ ۱، ص ۱۳۸.

کم رنگ تر است؛ زیرا در تقدیم هدیه نقدی، لذت و انسی است که در مهریه نسیه وجود ندارد. به ویژه اگر این توافق ضمنی در جامعه وجود داشته باشد که مهریه، دینی است که هیچ گاه به زن پرداخت نمی شود، ارزش و تأثیر مثبت مهریه، پنهان و ناکارآمد باقی خواهد ماند. هر چند قبول هزینه ای با عنوان مهریه، بدین معناست که مرد به ارزش و جایگاه زن در خانه معترف است و به این باور رسیده که برای دستیابی به زن باید هزینه ای بس باارزش بپردازد و همین جنبه معنوی مهریه، از شخصیت والای زن خبر می دهد. «در مهر جنبه معنوی بیشتر مورد نظر است، نه جنبه مادی آن تا از این راه، نشانه ای از بالا رفتن قیمت زن باشد، بلکه عاملی است برای احترام به آبرو و شخصیت او و توجه به بزرگی و مقام او».(۱)

اگر به نام هایی که قرآن به هزینه های زندگی داده دقت شود، می توان پی برد که صداق، هزینه خریدن زن نیست، بلکه پذیرش بزرگی زن و امر ازدواج است.

ه_) جبران جایگاه از دست رفته

دختران جوان با هزاران امید و آرزو، چشم به شروع یک زندگی موفق دارند، با این امید که در زندگی مشترک به خواسته ها و هدف هایشان برسند. آنان در این راه، از جان مایه می گذارند و در کنار مردان برای رشد و شکوفایی زندگی مشترک می کوشند و از سرمایه جوانی، توان و شادابی شان در این راه می گذرند. آنان شخصیت و جایگاهی را که در طول سال ها همت و کوشش به دست آورده بودند، برای رشد و کمال مشترک خرج می کنند و در حقیقت، همه هستی شان را امیدوارانه به پای زندگی مشترک، می ریزند. زنان با قبول زندگی زناشویی، بسیاری از چیزها را از دست می دهند و در مقابل، می توانند با دوراندیشی و همکاری با شوهران، به هدف های تازه تری برسند.

۱- تشکیل خانواده در اسلام، ص ۱۱۰.

در جوامع ما دختر شوهر نکرده، موقعیت و جایگاه ویژه ای دارد که زنان شوهر کرده، از چنین جایگاهی بی بهره اند. خواستگاران زیادی که سراغ دختران شوهرنکرده می آیند، کمتر به سراغ شوهر کرده ها می روند. پس مردی که بعد از گرفتن جایگاه پیشین زن، وی را رها می کند و در وضعی دشوار قرار می دهد، باید هزینه ای را با عنوان مهریه به او بدهد تا یاری رسان او در این موقعیت سخت و جدید باشد. به همین علت، برخی افرد، مهر را نوعی جبران خسارت در پیمان زناشویی به شمار آورده اند؛ خسارتی که از زناشویی ناشی شده است. بدین ترتیب، بدیهی است میان زن ازدواج کرده و زن ازدواج نکرده، از نظر امکانات جدید، تفاوت فراوانی وجود دارد.

مهریه، پشتوانه اجتماعی و اقتصادی برای زن است؛ زیرا در صورت جدایی از همسر، آسیب هایی که از نظر روحی، اجتماعی و حتی مالی به مرد وارد می شود، کمتر از زن است. مرد با توان بدنی خود، بهتر و آسان تر می تواند در جامعه به کار و تلاش بپردازد و زندگی خود را تأمین کند، ولی یک زن رها شده و طلاق گرفته ـ اگر کارگر یا کارمند نباشد ـ دست خالی و بی پناه می ماند و در جامعه احساس نگرانی می کند و در این شرایط، مهریه، کمکی اندک به وی در تأمین معاش و پاسبان عفت و احترام اوست. افزون بر آن، امکان تشکیل زندگی مجدد برای مرد بیشتر فراهم است تا زن مطلّقه. پس مهریه در واقع، کمی از خسارت و زیان های وارد بر زن را جبران می کند و مایه دل گرمی او و اندوخته ای است که سبب می شود بهتر و امیدوارتر در خانه به کار و تلاش بپردازد و خود را، حتی از نظر مادی بی پشتوانه حس نکند.(۱)

براساس این نوع رویکرد به مهریه، باید میزان آن را هنگام عقد بالا گرفت تا جنبه حمایتی و پشتوانه ای آن محکم تر باشد، درحالی که اسلام بر کم گرفتن مهریه سفارش می کند. ضمن آنکه برخی از زنان طلاق گرفته،

۱- نک: زهرا گواهی، سیمای زن در آیینه فقه شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی،۱۳۶۹، چ ۱، ص ۱۲۴.

امروزه به دلیل شاغل بودن، بی سرپناه نمی مانند، همچنین امروزه عوامل حمایتی دیگری مانند بیمه، نقش پشتوانه را برای زن ایفا می کنند. البته نقش مهریه به عنوان یک عامل حمایتی پذیرفته شده در قانون، انکارناپذیر است؛ زیرا تنها تعداد محدودی از زن ها شاغلند و بیشتر زنان از این چرخه بیرون می مانند. بیمه نیز در عمل چنین کارکردی دارد؛ زیرا بیمه به دیگر شرایط اجتماعی وابسته است، ولی مهریه به عنوان عامل حمایتی همگانی، همواره در اختیار زنان است.

و) پاداش کار در خانه

یکی از دغدغه های جنبش های مدافع حقوق زنان، کار زنان در خانه است. آنان بر این باورند که کار زنان در خانه بدون مزد می ماند و مردان ارزش آن را نادیده می گیرند. همچنین ساعت کار زنان در خانه بیش از ساعت کار مردان در بیرون از منزل است، ولی چون کارهای خانگی را انجام می دهند، به چشم نمی آید. بدین ترتیب، پایگاه اجتماعی درخور شأن خود را ندارند و حقوقشان تباه می شود.(۱)

اسلام کار در خانه را جزو وظایف زن نمی داند و زنان اگر بخواهند، می توانند در قبال این کارها مزد دریافت کنند، هرچند آنان از نظر اخلاقی خود را موظف می دانند که این گونه کارها را انجام دهند. در واقع، هنجارهای اجتماعی موجود در جامعه، بر عهده گرفتن این گونه کارها را از زنان می خواهد، به ویژه از زنانی که بیرون از خانه شاغل نیستند و همیشه در خانه به سر می برند. حال باید پرسید آیا در نظام اسلامی، در ازای این وظایف ـ حداقل اخلاقی ـ حقوق و مزدی تعریف شده است؟ برخی بر این باورند که مهریه، پاداش و قدردانی از زحمت ها و تلاش های بی وقفه و بی منت زنان در

۱- نک: جورج ریتزر، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۴، چ ۲، صص ۴۵۹ ـ ۴۹۶.

خانه است؛ زیرا در غیر این صورت، این بخش از کارها بدون اجر و مزد می ماند.

زن در محیط خانه، خود را با مسئولیت های متعدد و متنوع روبه رو می بیند؛ از تمکین شوهر و سرپرستی فرزند گرفته تا انجام دادن انواع کار خانگی مانند نظافت، پختن غذا و میهمان داری. برخی فعالیت های اقتصادی همچون قالی بافی، دامداری و کشاورزی را نیز در برخی جوامع روستایی باید به وظایف پیشین افزود. افزون بر آن، ضرورت کار کردن در محیط های اداری و سازمانی با هدف کمک به تأمین نیازهای ضروری خانواده، در بسیاری از خانواده های شهری، مسئولیت هایی است که انجام دادن آن به حق یا باطل، به زن سپرده شده است. او نیز برای ایفای درست همه این وظایف طاقت فرسا به اجبار، و در بخشی از حیطه های آن، از روی عواطف انسانی و دغدغه های اخلاقی، تمام سرمایه های وجودی خویش را به کار می گیرد و در ازای آن، از پاداش مناسب محروم است. بنا بر این دیدگاه، تشریع مهر، اقدامی است خردپسند یا از روی دلسوزی، به منظور جبران اندکی از انبوه خدمات ارزشمند او در محیط خانواده نیز معادلی است هر چند نارسا برای انجام دادن مسئولیت های متعددی که پیوند زناشویی، وی را بدان پایبند ساخته است.(۱)

این دیدگاه ها با اشکال های متعددی روبه روست. استقرار نصف مهر به مجرد انعقاد عقد و لزوم پرداخت آن قبل از هر گونه خدمت، یکی از اشکال های وارد شده بر این دیدگاه است.

ز) جبران کمبود حقوق مالی زن

یکی از اشکالاتی که بر نظام حقوقی اسلام گرفته می شود، این است که چرا حق الارث مردان، دو برابر زنان است؟

۱- نک: تبیین جامعه شناختی مهریه، ص ۲۷۱.

پاسخ های فراوانی به این مسئله داده شده که از جمله این پاسخ ها، جبران شدن این تفاوت به وسیله مهریه ای است که به زن پرداخت می شود.

در توضیح مطلب باید به سه نکته توجه کرد: مطلب اول آنکه، خداوند قوانین حقوقی مربوط به زن و مرد را با در نظر گرفتن تفاوت های فیزیکی، روانی و با توجه به دیگر احکام شرعی زن و مرد، وضع کرده است. نکته دوم آنکه نظام حقوقی اسلام، بر پایه مصلحت هایی است که خداوند متعال برای وضع قوانین در نظر گرفته است. سومین نکته آن است که این نظام حقوقی دارای اجزا و عناصری است که با یکدیگر در ارتباط هستند و نباید قانونی را جدا از دیگر قوانین بررسی کرد، بلکه باید به همه قوانین حقوقی اسلام به صورت مرتبط با هم نگریست.

بر این اساس، می توان گفت با توجه به شرایط زن و مرد و تفاوت های فیزیکی و روانی آن دو و اینکه مرد باید در پی تلاش اقتصادی برای برآوردن نیاز زندگی آینده خود باشد، به عبارت دیگر نفقه زندگی برعهده وی نهاده شده و از این نظر زن مسئولیتی ندارد، بایسته است برای تأمین شدن هزینه زندگی بخش بیشتری از ارث به او برسد. در نتیجه حق زن کمتر خواهد شد، ولی شارع مقدس این کمبود مالی را به وسیله تشریع مهریه و واجب بودن آن جبران کرده است. در واقع، واجب کردن مهریه برای زن، حکمی است برای جبران حق الارث او.

سُئِلَ ابا عبد الله علیه السلام: لِأی عِلَّهٍ صَارَتِ المیراثُ لِلذَّکَرِ مِثلُ حَظَّ الْاُنثَیَیْنِ؟ قال لَمّا جَعَلَ لَها مِنَ الصِّداقِ.(۱)

از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: چرا ارث مردان دو برابر زنان شده است؟ حضرت در پاسخ فرمود: زیرا زنان از مهر بهره مند می شوند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۹۵.

ح) نشان حق مالکیت زن

اسلام برای زن، جایگاه بسیار ویژه و والایی را تعریف کرده و یکی از دلایل آن، به رسمیت شناخته شدن مالکیت زن در این مکتب نورانی است؛ حقی که حتی تاکنون در حقوق کشورهای به ظاهر پیشرفته نیز به طور کامل رعایت نشده است.(۱)

مهریه، یکی از ابزارهایی بود که به کمک آن، حق مالکیت زنان آشکارا اعلام شد. پیش از اسلام، مهریه را به پدر زن می دادند و قیمت زن خوانده می شد، ولی اسلام بر این سنت خط بطلان کشید و مهریه را حق خالص زن قرار داد؛ حقی که فقط خود او می تواند آن را تصاحب کند و هیچ کس دیگر این حق را ندارد که مهریه او را بگیرد. در واقع، مهریه، ملک زن است و اسلام، حق مالکیت او را به رسمیت شناخته است. برخی این کارکرد ویژه را اصلی ترین فایده مهریه دانسته اند.

ط) زمینه ساز فعالیت اقتصادی

جدا از کار زنان در خانه، نقش زنان در فعالیت اقتصادی در مقایسه با مردان کمتر است. یکی از دلایل این مسئله، نبودن زمینه های مناسب برای مشارکت زنان در ساختار اجتماع است. در این میان، برای آسان تر و روان تر شدن فعالیت زنان در امور اقتصادی، می توان از مهریه کمک گرفت. البته این تحلیل آن گاه معنا می یابد که مهریه، به طور نقد به زنان پرداخت شود و با این امکان مالی، زنان بتوانند از آن برای پیشبرد هدف ها و امور اقتصادی خویش بهره گیرند. نیز از این رهگذر، افزون بر جبران کمبود سهم الارث، دست کم به بخشی از حقوق طبیعی ناشی از کار و فعالیت پیاپی و ایفای نقش های مثبت و گاه بی مانند خود در اجتماع دست یابند. همچنین در اختیار داشتن این

۱- نک: حبیب الله طاهری، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ص ۲۱۶.

سرمـایه می توانـد افزون بر تأمین امنیت خاطر، آنان را در انجام دادن کار و فعالیت اجتماعی و سـرمایه گـذاری در عرصه های مناسب یاری برساند.(۱)

۳. آثار مهریه برای مرد

مهریه، نه تنهـا در زنـدگی زن کـارکرد و آثار مفیـدی دارد، در مواردی تأثیر مثبتی هم بر مرد دارد و جایگاه و هویت او را نیز قوّت می بخشد.

با توجه به برخی تعبیرهای قرآنی، مهریه نشانه صدق و صـفای مرد است. براین اساس، هزینه کردن مرد برای مهریه، گواهی بر اسـتواری و پایبندی او به عقد ازدواج است و نشان می دهد که مرد، با صـفای باطن و در کمال درستکاری، ازدواج را پذیرفته است و قصـد نیرنـگ زدن نـدارد؛ زیرا در غیر این صـورت، هیـچ گـاه پرداخت هزینه مهریه را نمی پـذیرفت. مهریه را صـداق نامیـده انـد؛ زیرا بر صدق پرداخت کننده آن دلالت دارد(۲) و قـانون گـذار برای اثبات علاقه مرد به زن، مقرر کرده است که مرد هنگام ازدواج، مالی به عنوان مهر به زن بدهد.

بدون شک، کسـی که برای چیزی هزینه می کند، در مقایسه با کسی که بدون صرف هیچ هزینه ای آن را به دست می آورد، نسـبت به آن چیز جدی تر و پایبندتر می شود. براساس دیدگاه «تعارض یا هماهنگی شـناخت» از لئون فیستنگر، کسی که برای پـذیرفتن کـاری یـا پـذیرش عضویتی، هزینه بیشتری پرداخت کرده باشـد، بایـد خود را به تحمل پـذیر بودن بیشتر وادارد. حال آنکه پرداخت هزینه برای اثبـات وفـاداری به چیزی شایـد همیشه کارسـاز نباشـد. ازاین رو، مهریه نشانه راستی و صـداقت مرد است و به ندرت، ابزاری کارآمد برای جلوگیری از هر نوع سرپیچی مرد و تضمینی برای وفاداری همیشگی مرد است.

ص: ۶۹

۱- نک: تبیین جامعه شناختی مهریه، ص ۲۸۳.

۲- نک: عبدالکریم زیدان، المفصل فی احکام المرأه و البیت المسلم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ هـ . ق، چ ۳، ص ۴۹.

۴. مهریه بدون کارکرد

اشاره

برخی از نویسندگان، مخالف مهریه اند و معتقدند مهریه برای زن، نه تنها فایده و کارکردی ندارد، بلکه برعکس، مایه توهین و تحقیر زنان است؛ زیرا مهریه به سان قیمت زنان است و زنان را مثل برده می سازد که می توان آنان را در ازای مبلغی خرید. امروزه که برده داری در جهان پایان یافته است، باید پرونده مهر نیز بسته شود و پایان یابد.(۱)

آنچه عشق و محبت را از عرصه مسائل جنسی و زناشویی دور کرده است، ازدواج بر پایه مهریه و شیربها است. در واقع، از مرد خواسته می شود در ازای ازدواج، به دختر پول بپردازد و این امر، ازدواج را به فرآیندی اقتصادی و اجتماعی و نه نهادی برخاسته از عاطفه و مهر تبدیل کرده است.

بعضی دیگر، از آن جهت با مهریه مخالف هستند که می گویند رسم مهریه، از دوران جاهلیت به جا مانده و امروز کارکرد اصلی خود را از دست داده و به اصطلاح، تاریخ آن گذشته است. خانواده ایرانی حامل دو فرهنگ است؛ از یک سو به فرهنگ غرب گرایش دارد و از یک سو به جاهلیت. به عبارت دیگر، در کشور ما می خواهند خودشان را هم با مظاهر تمدن اروپایی هماهنگ کنند و هم با ازدواج بدون مهریه که یادگار سنت جاهلی است، مخالفند.(۲)

در پاسخ به این ایراد باید گفت: اگر منظور از سنّت جاهلی، این است که مهریه از دوران پیش از اسلام باقی مانده است، درست است، ولی هنر اسلام در این است که از این سنّت به بهترین شکل بهره برده و با دگرگونی هایی، کارکرد منفی آن را به کارکرد مثبت تبدیل کرده است. تعبیر اسلام از مهریه، هدیه است و هدیه در هیچ جای دنیا با قیمت و بها برابر نیست. البته اسلام با

۱- نک: نای بن سعدون، حقوق زن از آغاز تا امروز، ترجمه: گیتی خورسند، انتشارات کویر، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۳۶.

۲- علی شریعتی، مجموعه آثار شماره ۲۱، انتشارات سبز، ۱۳۶۲، چ ۲، ص ۲۳۹.

شیربها به شدت مخالف است و نویسندگان مخالف مهریه نیز نتوانسته اند به روشنی، مفهوم مهریه را از شیربها جدا کنند.

گفتنی است پندار نادرستی که در دنیای سنّتی و جهان به ظاهر نوگرا بر سر مهریه شکل گرفته و از این رهگذر، رویارویی منتقدانه برخی از نحله های فمینیستی را با دین و به ویژه اسلام سبب شده است، بیشتر با حقیقت شیربها سازگار است و نه مهریه. شیربها از پیامدهای دوران تیول داری و برده داری ــ که به زن به چشم کالاـ نگریسته می شد ــ به شمار می رود. دورانی که ارزش انسانی زن را بسان یک کالای تجاری کاهش می داد. حال آنکه چنین برداشتی از مهریه به کلی با حقیقت آن ناسازگار است. باری، شیربها به ولی دختر تعلق می گرفت و از شرط ها و رکن های اصلی نکاح به شمار می رفت. ازاین رو، موافقت یا مخالفت ولی با شیربهای پیشنهادی، عامل تعیین کننده در ازدواج بود، بدون آنکه خرسندی یا نارضایتی دختر، جایی برای بحث داشته باشد.

مهریه، مرکز بحث را به دختر برمی گرداند و از نفوذ ولی در این زمینه به شکل مؤثری کاسته می شود. یکی از اموری که معقول بودن سنّت مهریه را تأیید می کند، توجه عمومی به این مسئله است. پژوهش هایی که در سال ۱۳۷۴ انجام شده است، نشان می دهد از هر پنج نفر، چهار نفرشان با مهریه موافق بوده اند. این پژوهش نشانه پذیرش تشریع مهریه از سوی عموم مردم است.(۱)

به طور کلی، کارکرد مهریه را از دو جنبه می توان ارزیابی کرد:

۱. ارزیابی عرفی

مقصود این است که کدام کارکرد و فایده مهریه برای عموم مردم با اهمیت تر است؟

با قضاوت درست درباره آنچه در جامعه می گذرد، درمی یابیم که بیشتر مهریه ها به صورت نسیه است و زن تا آخر عمر، آن را از شوهر درخواست

۱- برای توضیحات بیشتر نک: محمد حکیم پور، حقوق زنان در کشاکش سنّت و تجدد، تهران، انتشارات نغمه نوانديش، ۱۳۸۴، چ ۲، ص ۲۳۹.

نمی کند، مگر اینکه زندگی شان در معرض فروپاشی قرار بگیرد. این مطالبه نکردن مهر به سبب اندیشه حاکم بر جامعه است. در این طرز فکر عمومی، زن اموال خود را از شوهر جدا نمی داند و آنچه را در اختیار شوهر است، متعلق به خود می داند. در نتیجه، مطالبه نکردن مهریه، نشان صمیمیت و یکرنگی زن و شوهر است.

مقصود بیشتر اندیشمندان که به پیامدهای مثبت مهریه اشاره می کنند، مهریه ای است که به زن پرداخت می شود. این مهریه را مرد، هم می تواند در ابتدای زندگی بپردازد و هم در طول مدت زندگی. بیشتر این صاحب نظران درباره این رویه عرف که مهریه فقط در قباله ازدواج قید شود و پرداخت آن به زن هرگز مورد نظر نباشد، بحثی ندارند و معلوم نیست که حتی آنان همین آثار مثبت را برای این نوع مهریه نیز پذیرفته باشند. آنان به الگوی پیشنهادی شرع در فقه و آیه و روایت از مهریه نظر دارند و درباره رویه واقعی موجود در جامعه سخن نمی گویند.

۲. ارزیابی ارزشی

مقصود این است که آیا کارکردها و فایده های مهریه ریشه شرعی دارد یا خیر؟ در این ارزیابی، سازگاری یا ناسازگاری آثار مهریه با ملاک های دینی بررسی می شود. برای فهم همخوانی یا ناهمخوانی کارکرد مهریه با شرع، چند نکته را باید در نظر گرفت:

الف) آنچه در برخی آموزه های روایی با عنوان حکمت یا فایده و کارکرد مهریه آمده است، ملاک قطعی برای قضاوت نیست؛ زیرا در این روایت ها، کارکردها و پیامدهای مهریه، کامل بیان نشده است.

ب) معیار قضاوت ما، رویه حاکم بر فضای بحث در مجموعه ادبیات دینی است. البته تعبیرهای قرآنی درباره مهریه مهم ترند.

بنابراین، مهریه، هدیه ای است که شوهر به زن می بخشد و کارکرد اصلی آن، بزرگداشت، احترام و نکوداشت شخصیت زن و نشانه وفاداری و

درستکاری مرد است. مهریه، هدیه ای است که بیشتر جنبه معنوی آن موردنظر است؛ هر چند به طور طبیعی، برخی آثار مادی مانند جبران حق الارث زن یا جبران زحمت های او برای خانواده نیز در پی دارد، ولی نخستین هدف مهریه، احترام گذاشتن به جایگاه و شخصیت زنان در خانواده و اجتماع است. البته این هدیه را نباید تنها در قالب هبه های فقهی تعریف کرد، بلکه مهریه را باید هدیه نمادین دانست که در جامعه ما همواره وجود داشته و در همه جوامع نیز به شکل های گوناگون رعایت می شود و اصلی استوار برای برقراری روابط اجتماعی به شمار می رود.

اسلام، این هدیه را به شکل ویژه و در قالب معیّن قرار داده و مهریه را مخصوص زن دانسته است. در مقابل مهریه، خانواده زن لازم نیست یک چیز مادی معادل پرداخت کند، بلکه مهریه تنها برای نشان دادن وفاداری مرد به زن است و به طور طبیعی زن نیز به مردِ وفادار محبت می ورزد؛ یعنی مهریه شکل عملی قانون جذب و انجذاب را در خانواده به وجود می آورد.

گفتنی است مهریه تعریف شده در شرع اسلام، با همان ویژگی های خود در صدر اسلام، اکنون در جامعه وجود ندارد. پس اگر چنین رویه نادرستی حاکم نمی شد، همگان می دانستند که تقدیم هدیه مرد به زن در ابتدای زندگی، چقدر زیبا و لذت بخش است. این هدیه، هیچ شباهتی به خرید و فروش ندارد، بلکه امری پسندیده و نکوست.

اگر معیار قضاوت، تعبیرهای قرآنی باشد، شاید این قاعده کلی درباره شرعی بودن یا نبودن مهریه درست باشد که هر چه کارکردهای مادی مهریه نسبت به کارکردهای معنوی آن بیشتر باشد، به همان اندازه از هدف های اصلی دین درباره مهریه دورتر می شویم. حتی در مواردی ممکن است به خلاف شرع نیز نزدیک شود، مانند اینکه زن مهریه را برای تأمین وسایل خانه یا برای هر منظور دیگری در اختیار شوهر قرار دهد یا اینکه مهریه تا اندازه ای بالا باشد که تصور پرداخت آن برای شوهر سخت و گاه ناممکن باشد.

فصل پنجم: عوامل افزایش مهریه و راه حل های کاهش آن

اشاره

در متون دینی، به ازدواج و تشکیل خانواده سفارش های بسیار زیادی شده است. اسلام با ایجاد مانع در راه ازدواج، مخالف است و از زمینه سازی برای آسان گرفتن این امر حمایت می کند. ضمن آنکه نیاز به تشکیل خانواده، امری ضروری، عقلانی و طبیعی است و فهم این مسئله بیان و دستور شرعی نمی خواهد.

امروزه بالا ـ رفتن مهریه یکی از موانع مهم بر سر راه تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به شمار می رود. این وضع، به شدت خانواده ها را نگران کرده است؛ زیرا بر اساس آموزه های دینی، مهریه، هدیه ای از سوی مرد به زن است و هدیه، بدون شک به منظور آسان ساختن امر ازدواج است و نباید مانعی برای ازدواج خوانده شود.

امروزه با توجه به بالا بودن مهریه در جامعه ما، دو نکته مهم را می توان بررسی کرد:

۱. تفاوت آموزه های دین درباره مهریه؛ زیرا از یک سو برای مهریه مقدار مشخصی تعیین نشده است و بنا بر فتاوای فقها و مضمون آیه ها و روایت ها هر کسی به هر میزان که بخواهد، می تواند برای خود مهریه قرار دهد. از سوی دیگر، سفارش اسلام بر کم گرفتن مهریه است. همچنین مجموع سفارش اسلام، بر آسان گیری در امر ازدواج است و بدین منظور تأکید می کند که مقدار مهریه باید کم باشد. البته این مهریه کم باید به زن پرداخت شود و تنها نوشتن بر روی کاغذ و تنظیم سند کافی نیست.

ص: ۷۴

برای جمع میان این دو حکم، می توان گفت سفارش اسلام بر کم گرفتن مهریه، اخلاقی و غیرضروری است و معنای دستور اخلاقی این است که مهریه ها به اندازه ای باشد که داماد را به زحمت نیندازد و مانعی بر سر راه ازدواج جوانان نشود. البته بعضی از عالمان دین، سفارش های اسلام بر کم گرفتن مهریه را واجب دانسته اند و نظرشان این است که مهریه نمی تواند، بیش از مهر السنه معادل پانصد درهم باشد.(۱)

۲. فاصله گرفتن آنچه امروزه در این زمینه رخ می دهد با احکام فقهی؛ توضیح آنکه تلقی مردم از مهریه، آن است که مهریه امری تشریفاتی است و پرداخت آن ضرورتی ندارد و تنها نمادی برای نشان دادن جایگاه دختر و خانواده اش است. از این دیدگاه، مهریه با توجه به جایگاه اجتماعی و خانوادگی دختر تعیین می شود و به طور غیر رسمی، نقطه های قوّت و ضعف و ویژگی های ظاهری او در نظر گرفته می شود و برای تعیین آن چانه زنی می کنند. در نهایت، این اندیشه و فرهنگ نادرست، به سرعت رشد می کند، به گونه ای که برخی از جوانان، از وحشت گرفتار شدن در دام مهریه های هولناک و سرسام آور، از ازدواج گریزان می شوند.

شاید به خاطر همین رویه عرفی، برخی گمان کرده اند که مهریه، قیمت زن است. البته اگر کسی به درستی از حقیقت مهریه در اسلام آگاه نباشد، همین برداشت نادرست از رویه عرف به ذهن او می رسد. این در حالی است که با دقت در آموزه های دین اسلام، درمی یابیم که مهریه، فقط هدیه ای است که مرد به زن می پردازد. در تقدیم هدیه، موقعیت خانوادگی و اجتماعی دو طرف به طور کلی در نظر گرفته می شود، ولی هرگز تک تک نقاط قوّت و ضعف طرف مقابل شمرده نمی شود و در واقع، چانه زدن در هدیه هیچ معنایی ندارد.

ص: ۷۵

۱- فاضل مقداد، التنقیه الرائع لمختصر الشرایع، ج ۳، ص ۲۰۹.

بـا توجه به این دو نکته تلاـش خواهیم کرد راهکارهـایی را بیـابیم که مهریه را به جایگاه اصـلی اش برگردانیم و با مهریه های نامعقول و بسیار زیاد مبارزه کنیم.

۱. علل افزایش مهریه

الف) نمایش طبقاتی

برخی بر این باورنـد که میزان مهریه، نشـان از طبقه اجتماعی زوجین دارد. مفهوم این نظریه را تفاوت مهریه های افراد در طبقه هـای گونـاگون روشـن می کنـد. هر کس از هر طبقه، بسته به جایگـاه خـویش، مهریه خـود را معیّن می کنـد. ازدواج، رابطه تبادلی و نوعی بده و بسـتان است. بده و بسـتان ها در گروه های بالای جامعه بیشتر روی می دهد. میزان مهریه نیز که نوعی از این بده و بسـتان هاست، از نظر عددی، بسیار رشد می کند. البته تعیین مهریه ضمن در نظر گرفتن طبقه افراد، با کارکرد اصلی مهریه در نگـاه عرف که همـان جلوگیری از طلاـق باشـد، بسـیار هماهنـگ است؛ زیرا مهریه هـای انـدک در طبقه های بالای جـامعه، از طلاق جلوگیری نمی کنـد. پس مهریه هر گروه بایـد مناسب با طبقه شان تعیین شود تا کارکرد خود را نیز از دسـت ندهد.

بنا بر نتایـج پژوهشـی درباره ازدواج و ویژگی های آن در ایران، در سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ میزان مهریه، به میزان تحصیلات بسـتگی داشت. هم بسـتگی میان این دو پدیده، به طور مسـتقیم و هم جهت افزایش می یافت؛ یعنی میزان مهر با افزایش سطح آموزش به سـرعت بالا می رفت. به نظر می رسـید که آموزش، عامل مؤثر و قطعی بر میزان مهریه بود. حال آنکه در عمل و با اعمـال شـیوه ای کـه چنـد متغیر را در تقـاطع بـا یکـدیگر قرار می داد، چنین به دست آمـد که میزان واقعی وابسـتگی مهریه به تحصیلات چندان زیاد

ص: ۷۶

نیست. برعکس آنچه بر هر دو پدیده سخت اثر می گذارد، میزان درآمد خانواده است.(۱)

ب) نسیه بودن مهر

یکی از علل رشد بی رویه میزان مهریه در جامعه، نسیه بودن آن است؛ زیرا نسیه بودن سبب می شود دختر و خانواده اش با خاطری آسوده مهریه های سنگین پیشنهاد کنند و داماد و خانواده اش آن را بپذیرند. آنها مطمئن هستند که مهریه های سرسام آور، به پرداخت نیاز ندارند، مگر در صورتی که کانون خانواده از هم بپاشد که داماد نیز احتمال ضعیف از هم پاشی خانواده را، در شور و شوق اول زندگی به راحتی نادیده می گیرد. اگر مردان باور داشتند که مهریه را باید به زن بدهند، هرگز زیر بار مهریه های سنگین نمی رفتند و آن بدهی را که قدرت پرداختش را ندارند، نمی پذیرفتند. مهریه های زیاد، بهترین دلیل بر وجود این باور در جامعه است که مهریه، امری تشریفاتی و ظاهری است. در واقع، فرهنگ رایج در جامعه، از سفارش های اسلام در این زمینه فاصله گرفته است. اسلام هرچند پرداخت مهریه را در ابتدای زندگی و به صورت فوری لازم نمی داند، ولی بر اصل پرداخت آن اصرار دارد و آن را الزامی می داند. در جامعه امروزی، مهریه ها به صورت نسیه باقی می مانند، مگر در مواردی که زندگی در معرض فروپاشی قرار گیرد. در این موقعیت، مهریه عاملی برای دفاع یا کشمکش میان مرد و زن می شود. شاید ریشه برخی از این جنجال ها به همین زیادی مهریه برگردد؛ زیرا گاه خود زن این جنجال ها را به راه می اندازد که به مهریه زیاد برسد و مرد نیز به آن دامن می زند، تا جایی که زن ناچار شود بی توقع از زندگی او بیرون برود و جمله معروف «مهرم حلال و جانم آزاد» را بگوید.

۱- نک: باقر ساروخانی، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۷۰، ص ۲۵.

در حقیقت، تأثیر نسیه بودن مهریه بر افزایش میزان آن، امری روشن است، ولی درک کامل چگونگی شکل گیری این رویه نادرست در جامعه دشوار است و عجیب به نظر می رسد که چرا مردان چنین ریسک بزرگی می کنند و چنین دِیْن هنگفتی را می پذیرند، درحالی که از سختی ها و پیامدهای آن آگاهند و دست کم می دانند اگر زن از این اهرم فشار استفاده کند، مایه خواری و بیچارگی آنان می شود.

عقل انسان در درک این معما سرگردان است که چگونه در جامعه ای که معامله های اقتصادی آن با دقت و هوشمندی بسیار بالا و محاسبه های دقیق صورت می پذیرد و در مقام داد و ستد، حساسیت های پست و بی ارزش را تجویز می کند، در مسئله مهر که هزینه ازدواج و نوعی تعهد مالی است و در هر صورت مرد باید بخش زیادی از ثروت خود را به دیگری تملیک کند، این چنین سهل گیرانه، سخاوتمندانه و فارغ از دغدغه متعارف عمل می شود. تنها دلیلی که برای توجیه این رویه انحصاری به نظر می رسد، این است که عرف موجود، به کلی این نوع تعهد را خالی از الزام حقوقی می انگارد و پایبندی به آن را تنها به عنوان یک آیین تشریفاتی و یک سنّت ملی یا مذهبی مرسوم، بر خود لازم و واجب می بیند.(۱)

باید توجه داشت که نسیه بودن مهر، هر چند به ظاهر فریبنده است و در بیشتر موارد مشکل ایجاد نمی کند، در برخی موارد، مهریه های نسیه مطالبه می شود و جنجال ها و درگیری های زیادی را به بار می آورد. برای اثبات این امر، کافی است به دادگاه های خانواده و پرونده های مهریه توجهی کنیم تا معلوم شود، مهریه های سنگین چگونه عامل بدبختی عده ای از افراد شده است.

۱- تبیین جامعه شناختی مهریه، ص ۳۱۹.

ج) حسادت یا چشم و هم چشمی

انسان ها دوست دارند، جایگاه خود را میان آشـنایان تثبیت کنند و موقعیت خود را در میان آنان بالا ببرند. برخی برای رسیدن به این امر، امکانات مادی خویش را در معرض دید همگان قرار می دهند تا این امکانات، نشان دهنده اهمیت و بزرگی پایگاه آنها در جامعه باشد. یکی از جامعه شـناسان دراین باره می گوید: «مصـرف چشـمگیر و نمایش چشـمگیر نمادهای بلندپایگی، وسایلی هستند که انسان ها می کوشند تا از این راه در چشم همسایگانشان برتر جلوه کنند. در ضمن، برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل شوند».(۱)

بسـیاری به سـبب رقابت و چشم و هم چشمی، مهریه های کلان و سرسام آور تعیین می کنند و می کوشند با مهریه زیاد، میان آشـنایان، همسالان و هم قطاران خویش ابراز وجود کننـد و خود را شبیه کسانی سازند که از نظر امکانات مادی در بالای هرم اجتماعی قرار دارنـد. چشم و هم چشـمی، در بالا بودن مهریه تأثیر بسـزایی دارد. حال باید پرسـید چرا در زمان های قدیم، این چشم و هم چشـمی ها در مهریه وجود نـداشت؟ پاسخ این است که امروزه، به چند دلیل زمینه چشم و هم چشـمی بیشتر فراهم شده است:

۱. بـا رشـد شهرنشـینی، فاصـله طبقـاتی نیز در جـامعه بیشتر شـده است. بعضـی از مردم در جـامعه شـهری، توان مالی و قـدرت پرداخت هزینه هـای بسـیار بالاـ را دارنـد. اینها به طور طبیعی، در زمان ازدواج، امکان خودنمایی و اسـراف کاری های زیاد را دارنـد. پس دیگران نیز وسوسه می شونـد خود را بـا آنهـا قیـاس کننـد. درحـالی که پیش از این، امکـان چنین ولخرجی هـای گسترده کمتر بود.

۲. امروزه تعریف دارایی و نـداری، تا حـدودی عوض شـده است. در گذشـته، کسانی احساس فقر و نـداری می کردنـد که از کمبود وسایل ضروری زندگی رنج می بردند، ولی امروزه کسانی که وسایل ضروری

۱- لوئیس کوزر، زنـدگی و انـدیشه بزرگان جامعه شناسـی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۲، چ ۱۰، ص ۳۶۲.

زنـدگی را در اختیار دارنـد و تنها چون قـدرت تهیه وسایل لوکس، تجملاتی و تشـریفاتی را ندارنـد و در مقایسه با طبقه مرفه جامعه امکانات کمتری در اختیار دارند، از احساس نداری دروغین و خودساخته عذاب می کشـند. در عصـر اشـراف سالاری، یعنی همـان عصـر بربریت، این سـبک هـای اتلاف آمیزِ نمایش دارایی ها و چشم و هم چشـمی ها، به طبقه تن آسای واقع در رأس هرم اجتمـاعی، منحصـر بود. حـال آنکه آن نمایش ها اکنون سراسـر ساختار اجتماعی را فرا گرفته است. هر طبقه تا آنجا که می توانـد، سـبک زنـدگی طبقه بالاتر از خود را الگو قرار می دهـد و با همه توانش می کوشد تا همانند آنها زندگی کند. در ایـن میـان، طبقه فقیر گرچه از نظر مـادی در موقعیـتی بهـتر از گذشـته قرار دارد، بیشـتر از نیازمنـدان دوره هـای پیشـین، در زنـدگی رنـج می برد. نظـام موجود، گرچه فقیر زحمت کش را به معنـای مطلق، فقیرتر نسـاخته است، آنها را در نظر خودشان فقیرتر معنا کرده است.

پس امروزه نمایش هایی بسـیار شدیدتر از گذشـته در جامعه اجرا می شود. از سوی دیگر، عده بیشتری می کوشند در عمل از این نمایش ها پیروی کنند. بدین ترتیب، چشم و هم چشـمی، در زندگی امروزی شدت می گیرد و مهریه، یکی از عرصه های چشم و هم چشـمی می شود. گـاه به علت حسـادت ها و رقابت های خانواده دختر با دیگران، مبلغ مهریه تا حـد غیرعاقلانه ای بالا می رود. گویا این خانواده ها مهریه را قیمت دخترانشان پنداشته اند، که روز به روز بر آن می افزایند.(۱)

د) بیم از آینده

همـان گونه که در بحث کارکردهـای اجتمـاعی مهریه گفتیم، در نظر برخی، مهریه، ضامنی برای حق طلاق است. همین عامل سبب شده است که مقدار

۱- نک: سیمای زن در آیینه فقه شیعه، ص ۱۲۶.

مهریه، به صورت بی رویه رشـد کنـد؛ زیرا مهریه وقتی از طلاق جلوگیری می کنـد که مرد توان پرداخت آن را نداشـته باشد. پس تردید دختر درباره آینده اش، او را به افزایش مهریه تشویق می کند.

دیگر ویژگی ازدواج در ایران، سستی و ناایمنی نسبی آن است که این امر در دوره های پیش، نتیجه برخورداری مرد از حقوق مطلق در زمینه طلاق بود و امروزه بیشتر بر اثر دگرگونی شگرفی که در هدف و ساختمان و وظایف خانواده پدید آمده است، مطرح می شود. گرانی مهر و درج شـرط های ضـمن عقـد، دو نوع تأمینی است که در برابر ناپایـداری ازدواج، پذیرفته شده و بسیار رواج یـافته است. امروزه نـاایمنی ازدواج و سـستی بنیـان خانواده، در طبقات بالا بیشتر است. سـنگینی مهر نیز تنها، نشانه آبرو و شخصـیت خانوادگی و نتیجه انتظارهایی از نوع هوس تجمل نیست، بلکه ابزار دفاع در برابر ناپایداری زناشویی شـمرده می شود.(۱)

در ایلات تا این اواخر درباره مهر سـخت گیری نمی کردنـد؛ زیرا طلاق معمول نبود و مهریه انـدک پذیرفته می شد. از چندی پیش تأثیر زندگی شـهری به ایلات هم رسیده و چون آینده زنان را تا حدودی نامطمئن ساخته، میزان مهر در میان آنان نیز بالا رفته است.(۲)

در اینکه انگیزه جلوگیری از طلاق، عامل بالارفتن مهریه است، شـکی نیست، ولی آیا واقعا مهریه می تواند این هدف را تأمین کند؟ به نظر می رسد جواب منفی باشد؛ زیرا ازدواج باید بر پایه ها و بنیان های قوی بنا شود. برای نمونه، پایبندی و دین داری مرد بایـد برای زن و خانواده زن ثابت شـده باشـد. در غیر این صورت، مهریه زیاد به تنهایی مشـکل را حل نمی کند، چنان که یکی از روان شناسان دراین باره می گوید:

۱- نک: جمشید بهنام و شاپور راسخ، مقدمه ای بر جامعه شناسی ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸، چ ۳، ص ۱۳۳.
۲- نک: همان.

بارها و بارها در مشاوره با زوج های جوان، از نزدیک شاهد بودم که تنها مهرهای سنگین تضمینی برای ازدواج پایدار و زندگی آرام و سعادتمند نبوده، گاهی در ادامه زندگی و بروز ستیزه های خانوادگی و سوگ مندانه هنگام جدایی، برای دو طرف به ویژه خانم، مایه دردسر بوده است. در یک مورد، عروس خانم جوان بعد از اینکه متوجه اعتیاد همسرش می شود، پس از ناراحتی های فراوان و دردسرهای زیاد و در نهایت، درمان نشدن و اصلاح شوهر خودکامه و رسیدن به نقطه جدایی، با وجود بخشیدن مهریه خود به میزان یک هزار عدد سکه بهار آزادی، باز هم داماد معتاد و خودخواه، حاضر به طلاق توافقی نبود و با اندیشه اخاذی برای رضایت دادن به طلاق، مبلغ هفت میلیون تومان از خانواده دختر پول نقد می خواست که پس از چند جلسه مشاوره، مسئله به شکل شایسته ای حل شد. مشاهده صدها زوج جوان که بعد از دو _ سه سال زندگی زناشویی، برای جدا شدن، در راهروهای دادگستری این سو و آن سو می روند و نیز تماشای رفتار و شنیدن صحبت های مصرّانه برخی از عروس خانم هایی که مهریه ای هزار سکه ای دارند و با چشم پوشی از همه حق و حقوق شرعی خود و گذشت از مهریه کلان، طالب جدایی و جاری شدن صیغه طلاق هستند، هر نظاره گر بینا و هوشمند را به اندیشه و تأمل فراوان وا می دارد.(۱)

ه) موقعیت زن در گذشته

برخی از بزرگان، ریشه بالارفتن مهریه را، در روابط زن و مرد در گذشته می دانند و بر این باورند که در گذشته، زن استقلال اقتصادی نداشت، طلاق برای زن افزون بر بعد عاطفی، از نظر اقتصادی نیز نوعی تهدید به شمار می رفت و برای مرد مشکل اقتصادی ایجاد نمی کرد. مرد با آگاهی از این وضع، موقعیتش را در خانه، فرمان روایانه تفسیر می کرد. زیادی مهریه، تدبیری برای اصلاح ارتباط فرودست زن در روابط خانوادگی است. نبودن استقلال

۱- نک: غلامعلی افروز، مبانی روان شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش های اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، چ ۲، ص ۱۲۹.

اقتصادی و اجتماعی برای زن در گذشته، سبب ایجاد تنش های فعلی در روابط زن و شوهری و زمینه ساز مشکل اقتصادی در راه ازدواج جوان ها شده است.(۱)

و) ساختار زندگی مدرن

برخی دیگر، در مقابل تحلیل یاد شده معتقدند نوع زندگی جدید، عامل بالا بودن مهریه هاست. امروزه گونه جدیدی از روابط در جامعه شکل گرفته است. ویژگی اصلی زندگی امروزی، نوعی بی اعتمادی به همدیگر است. ریشه این اطمینان نداشتن در زندگی کنونی، به ضعف شناخت انسان ها از یکدیگر در جامعه برمی گردد.

پیش از این، بیشتر کسانی که کنار همدیگر زندگی می کردند، ریشه و تیره خانوادگی واحدی داشتند و از بدو تولد، در روستا در کنار هم زندگی می کردند یا دست کم همسایه هایی بودند که یکدیگر را به طور کامل می شناختند. امروزه، این وضعیت دگرگون شده است. کسانی که در محله های پرجمعیت شهرهای بزرگ در کنار هم زندگی می کنند، شناخت کافی از همدیگر ندارند. آنان با وجود شناخت ضعیفی که از یکدیگر دارند، مجبورند با هم تعامل اجتماعی داشته باشند و ازدواج فرزندان، دلیل ابتدایی این تعامل اجباری است، ضمن آنکه اعتماد کافی نیز به همدیگر ندارند. ازاین رو، ناچارند برای تضمین آینده فرزندان خویش، به مهریه های بالا متوسل شوند و با آن، آینده مبهم فرزندان شان را بیمه کنند.

پس زندگی امروزی به گونه ای سامان یافته که سبب بالا ـ رفتن مهریه شده است. به ویژه آنکه عده ای از مردان، از این شناخت اندک متقابل، استفاده

۱- نک: غلام رضا صدیق اورعی، جامعه شناسی مسایل اجتماعی جوانان، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۱۱۲.

ناشایست می کنند و ویژگی های منفی خود را از دید دختر و خانواده او پنهان نگه می دارند و حتی زنانشان را در نیمه راه رها می کنند. از سوی دیگر، برخی از دختران از این شرایط به زشتی بهره می برند و با ازدواج کردن، درصدد به دست آوردن سرمایه مرد هستند و قصد عاقلانه و پایدار زندگی کردن را ندارند. همه این شرایط، به افزایش مهریه دامن می زند.

در شهرهای بزرگ و صنعتی مانند تهران که ارتباط های اجتماعی محدود شده است و مردم از آشنایی کامل یکدیگر محروم مانده اند، شاید مبلغ مهر، بهترین تضمین برای سرنوشت آینده زن باشد.(۱)

با نگاهی دقیق تر، باید گفت که ساختار جامعه جدید، اگر در افزایش مهریه تأثیر داشته باشد، به دلیل بیم زنان و خانواده آنها درباره سرنوشت آینده شان است. بنابراین، بیم از آینده، سبب بالا رفتن میزان مهریه شده است.

ز) سن و ویژگی های ظاهری

یکی از عوامل بالابودن مهریه را می توان سن مناسب دختران دانست. در پژوهشی از عده ای از دختران ساکن قم و کرج که در طول دهه ۷۰ ازدواج کرده بودند، آمار گرفته شد. این آمار نشان می داد مهریه کسانی که در حدود ۱۶ تا ۲۸ سالگی ازدواج کرده بودند، در مقایسه با دیگر افراد بالای ۲۸ سال، بیشتر بود. هر چند این پژوهش در دامنه بسیار محدود انجام شد، شواهد دیگر نیز نشان می دهد که سن مناسب در زمان فعلی، در همین حدود است. علاوه بر سن مناسب، ویژگی های ظاهری، مانند زیبایی دختر نیز به طور قطع در میزان مهریه می تواند اثرگذار باشد. هر چند این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که «جمال» در رغبت بر تعهد به مهریه بیشتر اثر می گذارد. همچنین ویژگی های دیگری مانند موقعیت خانوادگی دختر، میزان تحصیلات و شغل

۱- نک: پایان نامه شهلا کاظمی پور، بررسی دموگرافیک تغییر سن ازدواج، ص ۱۱۰.

او نیز در میزان مهریه اثر می گذارند.

گمان می رود بیم از آینده ای نامعلوم، مهم ترین دلیل افزایش میزان مهریه باشد. این بیم از جهتی در موقعیت زن در گذشته ریشه دارد، ولی زندگی امروزی نیز به آن شدت می بخشد. هر چند رشد موقعیت زن ها در حال حاضر، به طور طبیعی می تواند این نگرانی را کاهش دهد، ولی بعید است در ازدواج نقش زیادی داشته باشد؛ زیرا برخی از انگیزه های نگرانی همچنان وجود دارد. برای نمونه، از مهریه زیاد، به ابزاری برای رویارویی با حق طلاق مرد یاد می شود. نبودن اعتماد کافی در روابط مردم در زندگی شهری نیز آن را تشدید کرده است. الزامی نبودن پرداخت مهریه، مردان را به پذیرفتن مهریه های زیاد واداشته است. بسیاری از این علت ها در تعامل با همدیگر قرار می گیرند که نتیجه آن، گرانی مهریه در جامعه است.

وجود چشم و هم چشمی، عامل دیگری است که سبب می شود این مهریه ها، قاعده و معیار برای دیگران قرار گیرد و در جامعه شاهد باشیم که مهریه های بسیار زیاد را حتی کسانی هم که توان مالی ضعیفی دارند، می پذیرند. در برخی موارد به قدری عجیب می شود که اگر مرد چندین برابر معمول هم درآمد داشته باشد، باز نمی تواند مهریه زنش را پرداخت کند. نمونه این مسئله کسانی اند که همسرانشان مهریه خود را به اجرا گذاشته اند و دادگاه به دلیل ضعف مالی مرد، به مرد دستور داده است که مهریه را به صورت قسطی بپردازد. در بسیاری موارد، این قسط ها تا آخر عمر مرد نیز پایان نخواهد یافت.

مشاهده سرنوشت این گونه افراد، جوانان را دچار سردرگمی می کند و تردید و وسواس آنان را در ازدواج بالا می برد. البته این امر با ضرورت های فطری و طبیعی ناسازگار است و باید راه حلی برای آن سنجیده شود.

ص: ۸۵

بعضی از مردم، در مقدار تأثیر مهریه های گران بر جلوگیری از ازدواج تردید دارند. البته مهریه به تنهایی، عامل تجرد جوانان و تأخیر در ازدواج نیست، بلکه عوامل بسیاری برای این گونه مسائل وجود دارد. پس باید عوامل مشوق ازدواج جوانان در جامعه وجود داشته باشد و موانع ازدواج را هرچند ناچیز باشد، از میان برداریم. در واقع، تعیین مهریه های بسیار بالا برای بیشتر افراد جامعه با روح این سنت نیکو و سفارش های اسلام در این زمینه ناسازگار است و باید راه حلی مناسب برای این مسئله در جامعه پیدا شود.

۲. راهکارهای حل مشکل مهریه

الف) جدی نگرفتن مهریه

بعضی معتقدند با جدی نگرفتن مهریه می توان، به فلسفه اصلی آن رسید. به گمان آنان، اگر مهریه مهم تلقی نشود، جنبه معنوی آن در جامعه دوباره برجسته می شود. آیت الله موسوی بجنوردی در گفت وگویی بیان کرده است:

در غرب، وقتی مهریه را مطرح می کنیم، به دخترهای تازه مسلمانی که می خواهند ازدواج کنند، برمی خورد. بیشتر عقدهایی که من می کنم، با یک ادکلن است.(۱)

بنابراین، با تجدید نظر در نظام موجود خانواده، بحث مهریه جایگاه جدی و مهمی در آن نداشته و استحکام خانواده بدان گره نمی خورد. البته دادن هدیه مناسب از طرف مرد به زن، آن هم در اوان زندگی و هنگام شکل گیری ازدواج، بر صمیمیت، محبت و پیوند قلبی دو طرف می افزاید و در پایداری آن بسیار مؤثر است.(۲)

۱- سید محمد موسوی بجنوردی، نشریه ابوذر انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی، ص ۸.

۲- نک: محمد منصورنژاد، مسأله زن، اسلام و فمنیسم در دفاع از حقوق زنان، تهران، ۱۳۸۱، برگ زیتون، چ ۱، ص ۱۸۳.

این راه حل درباره موضوع هایی درست است که هیچ فایده و کارکردی ندارند، ولی ما معتقدیم در مهریه چنین چیزی صدق نمی کند و گمان می کنیم اگر به خوبی از مهریه استفاده شود، آثار و کارکرد مثبت دارد. آنچه اشکال ایجاد کرده، انحراف از رویه اصلی و معیار در این زمینه است که باید این انحراف برداشته شود و مهریه به کانال اصلی اش برگردد.

به هر حال، اگر منظور از مهم تلقی نکردن مهریه این است که مهریه زیاد لازم نیست و مهریه کم نیز کفایت می کند، این سخن درستی است، ولی برداشتن اصل مهریه، به معنای نابود کردن سنّت ریشه داری است که هم به راحتی ممکن نیست و هم ضرورتی ندارد و این سفارش و راه حل، به معنای پاک کردن صورت مسئله است. بنابراین، مهریه اگر در حد معقول باشد، هیچ مشکلی ایجاد نمی کند، بلکه پیوند خانواده را مستحکم و پایدار می سازد، هرچند شاید لازم باشد، برخی تغییرها در آن ایجاد شود.

ب) تغییر شیوه پرداخت مهریه

امروزه مهریه به صورت دِیْن برعهده مرد باقی می ماند و این روال، با فلسفه اصلی مهریه ناسازگار است. ازاین رو، لازم است تغییری در این شیوه ایجاد شود و مردان تشویق شوند که مهریه را نقدی به همسران خود بپردازند. بدیهی است مسئولان نظام قضایی و حقوقی و اجرایی کشور نیز باید به شیوه ای مناسب، بر چگونگی تعیین میزان مهریه ای که در اسناد و مدارک رسمی جمهوری اسلامی ایران ثبت و ضبط می شود، نظارت داشته باشند.

باید تدبیری اندیشید که وضع مهریه در فرایند ازدواج جوانان در جامعه اسلامی ایران، معنا و مفهوم ارزشمند و در عین حال حقوقی خود را باز یابد. بازنگری اساسی در فرهنگ مهریه و پالایش آن از خرافه ها و خودمداری ها و

نیت معامله گرانه در جامعه اسلامی ما، امری بسیار لازم و انکارناپذیر به نظر می رسد.

مهریه در اسلام، بیشتر یک امر معنوی است تا مادی. مهریه، ابزار مادی مناسبی برای تضمین سرنوشت زن نیست، بلکه امری معنوی برای تقویت جایگاه وی به شمار می آید. بدون شک، نخستین هدف اسلام از مهریه نیز بر جنبه معنوی آن استوار بوده است. در تغییر شیوه پرداخت مهریه، توجه کردن به این مسئله ضروری است که مهریه را به عنوان عامل معنوی باید ترویج کرد و تا آنجا که امکان دارد، جنبه مادی آن را کم رنگ ساخت.(۱)

ج) جای گزینی نگرش انسانی به جای نگرش اقتصادی

به گمان برخی، با مهریه زیاد به عنوان یک اهرم فشار اقتصادی، تداوم زندگی خانوادگی دختر تضمین می شود، ولی حقیقت این است که زندگی خانوادگی، تعامل و کنش دو انسان است که اصل آن بر پایه ارتباط انسانی، اخلاقی و عاطفی بنا شده است و برای پایداری اش، باید به حفظ این ویژگی همت گماشت. مهریه، به عنوان بخشی از عقد ازدواج، باید به منظور تقویت این هدف باشد، همان گونه که تعبیرهای لطیف قرآنی از مهریه نیز به خوبی گویای این امر است. قرآن، مهریه را نمادی از درستی، ایثار و بخشش می داند و هیچ گاه از آن به عنوان یک امر اقتصادی صرف و بده و بستان بازاری تعبیر نکرده است. پایه زندگی خانوادگی بر عاطفه، محبت، عشق و دلدادگی استوار است و اگر فلسفه مهریه، تأمین این هدف ها باشد، در بهبود وضع زندگی مؤثر است. حال اگر تنها به عنوان اهرم اقتصادی در نظر گرفته شود، زندگی را مستحکم و پایدار نگه نمی دارد. در واقع زندگی بدون تفاهم، محبت، وفاداری و ایثار، دوزخی است که نمی توان در آن تاب آورد، بلکه ارزش

۱- نک: مبانی روان شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش های اسلامی، ص ۱۳۷.

تحمـل کردن را نـدارد. بـدون تردیـد، مهریه گزاف همچون ریسـمان یـا زنجیر محکمی است که به کمک آن، شـکل ظاهری خانواده را می توان حفظ کرد و یک انسان آماده فرار را به اسارت گرفت و یک زندگی سـرد و تلخ و بی روح و نشاط را که نامش زندگی است، تداوم بخشید.

خانواده، جاذبه می خواهد. این جاذبه باید به قدری قوی باشد که برای حفظ هریک از زوجین، هیچ گونه نیازی به ایجاد ترس و وحشت نباشـد. در غیر این صورت، حتی اگر زن و مردی سـال هـا زیر یـک سـقف با هم زنـدگی کننـد و با یکـدیگر پیوند جسمی هم داشته باشند، به سبب نبودن پیوند روحی و انس و الفت قلبی، احساس خرسندی و خوشبختی نخواهند کرد.

زنی که پـای مردی را در دام مهریه بسـته و دل او را به رشـته مهر و محبت نکشـیده، چگـونه می توانـد خوشـبخت باشـد؟! آن مردی که فقط با تکیه به اینکه اسـلام اختیار طلاق را به او سپرده است، زن را برای خود نگه می دارد و هیچ پیوند روحی میان او و همسرش نیست، چگونه می تواند آسوده و آرام باشد؟ پس باید چاره ای برای این مسائل اندیشید. باید معیارهای اصیل را شناخت و به کار گرفت. باید اخلاق اسـلامی را در جامعه زنده کرد. باید به موازین اسلامی در معاشرت ها و روابط زن و مرد بسیار توجه کرد. درمان کردن، کاری است منطقی، ولی منطقی تر از آن، پیش گیری است. پس باید روابط خانوادگی بر پایه درک و شـعور انسانی بنا شود. با فشارهای اقتصادی یا قانونی صـرف نمی توان این میثاق مقـدس را تداوم بخشـید و اگر هم با این عوامل پایدار ماند، پیامدهای منفی آن بیشتر از پیامدهای مثبت آن است.

اسـلام اصل وجود مهر را برای صحت ازدواج لازم می داند، ولی ارزش زن را به مقدار مهر نمی داند. هدف ازدواج نباید مهر باشد، بلکه انس و

آرامش خانوادگی، مورد نظر اسلام است.(۱)

چانه زدن روی مهریه، پس از ابراز خرسندی دو طرف از اصل ازدواج، کاری ناشایست است و از آن بدتر این است که نامزدی به واسطه توافق نکردن بر سر مهریه به هم بخورد. درحالی که از دیدگاه اسلامی این مسائل، فرعی است و اصل، توجه به شرافت و کرامت وجودی انسان است.

د) توجه به پیامدهای منفی مهریه های سنگین

هر چند بالابردن مهریه، تا حدودی می تواند امنیت زندگی زناشویی را تأمین کند، برای رسیدن به این منظور، راه های اصولی دیگری نیز وجود دارد. یکی از این راه ها اطمینان یافتن خانواده زن از ایمان و پایبندی مرد است. اگر این شرط اساسی نباشد، مهریه زیاد به تنهایی، امنیت زندگی و آسایش زن را فراهم نمی کند. باید پی برد که این هدف به چه قیمتی به دست می آید؟ بسیاری از اندیشمندان، از آثار منفی مهریه زیاد اظهار نگرانی می کنند و معتقدند مهریه های سرسام آور، آثار زیان بار بسیاری به دنبال دارد. از دید یکی از نویسندگان، آثار منفی مهریه های زیاد چنین است:

یک ــ جنبه معنوی و هدف اصلی مهریه که ابراز عشق و محبت است، از بین رفته و تنها جنبه مادی یافته است.

دو ــ از آنجا که ضمانت اجرایی برای پرداخت مهریه وجود ندارد، به راحتی این حق جنبه شعاری می یابد و هیچ گاه به زن پرداخت نمی شود. بدین صورت، حق زن تباه می شود.

سه ــ اگر خانواده ای با بحران جدی روبه رو شد، از آنجا که مهریه بالاست، مرد دو راه در پیش دارد:

اول ــ اینکه به زندگی بی روح و سرد با زن ادامه دهد و فضای دوزخی زندگی را تحمل کند.

۱- نک: ابراهیم امینی، انتخاب همسر، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۱۹۷.

دوم ـ اینکه زندگی را به قدری بر زن سخت بگیرد که زن با بخشیدن مهریه، جان خود را خلاص کند. «زیادی مهر باعث شده است زندگی خانوادگی در بسیاری از کشورها پیچیده و دشوار شود و ازدواج پسر و دختر از لحاظ سن به تأخیر افتد؛ زیرا بسیاری از جوانان از نظر مسائل مادی در سطح پایینی قرار دارند. در نتیجه، در برابر مهرهای سرسام آور به ستوه می آیند و از فراهم آوردن این مبالغ هنگفت احساس عجز و ناتوانی می کنند. سپس دچار انحراف اخلاقی و پس از آن انحراف بسیار دردناک تر می شوند».(۱)

بدین ترتیب، مهریه مانع ازدواج برخی جوانان می شود و در برخی موارد، به تأخیر سن ازدواج جوانان دامن می زند. در پی این تأخیر، مهریه، کارکرد اصلی خود را که ایجاد محبت و انس میان زوجین است، از دست می دهد و در مقابل، کینه و دشمنی میان زن و مرد پدید می آورد. امام علی علیه السلام در کلامی پر معنا به یکی از مهم ترین پیامدهای مهرهای زیاد اشاره می کند و می فرماید: «لاتُغالُوا بِمُهُورِ النِّساءِ فَتَکُونَ عَداوَةً؛ مهر و کابین زنان را بالا نبرید، زیرا سبب پیدایش دشمنی می شود».(۲)

بنابراین، در تعیین مهر نباید آن قدر سخت گیری کرد که قدرت ازدواج از جوانان گرفته شود و به ناچار، تجرد را بر تأهل ترجیح دهند و اگر هم به ازدواج تن می دهند، بر اثر خرده گیری ها و اشکال تراشی های خانواده دختر، کینه پیدا کنند. به تجربه ثابت شده است که ایرادها و سخت گیری های خانواده دختر در مهر و مراسم عروسی، رنجش خاطر داماد را در پی داشته و او چنان کینه ای می شود که گاه تا آخر عمر کینه اش برطرف نمی شود.

ه_) آموزش جوانان

باید به جوانان آموزش داد که دیدگاه اسلام درباره مهریه، زیاده روی نکردن

۱- علامه سید محمدحسین فضل الله، شیوه همسرداری، ترجمه: لطیف راشدی، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۴۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۳.

در میزان آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین مهریه، کمترین آن است.»(۱) نیز فرمود: «با برکت ترین ازدواج، کم خرج ترین آن است».(۲)

همچنین باید به دختران آموخت که گرچه آنان در تعیین مهریه، حق انتخاب دارند، بهتر است از این حق در جهت محکم کردن بنیان خانواده کمک بگیرند. زن می توان به هر گونه که بخواهد، از مهرش استفاده کند، ولی صفای زندگی چیزی است که در سایه گروکشی ها و حساب گری ها دوام نمی آورد.

و) توجه به الگوهای مناسب

امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی می فرماید:

زنی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: مرا همسری ده! رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی حاضر است با این زن ازدواج کند؟ مردی برخاست و عرض کرد: یا رسول الله، من حاضرم با این زن ازدواج کنم. فرمود: چه چیزی می دهی؟ آن مرد گفت: چیزی ندارم. حضرت فرمود: نمی شود. زن بار دوم بازگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله دوباره تکرار کرد. کسی غیر از آن مرد برنخاست. باز هم زن برگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای سومین بار فرمود: با مهر قرار دادن هر آنچه از قرآن می دانی، این زن را به عقد تو درآوردم، پس به او [قرآن] بیاموز!(۳)

از این داستان برمی آید که اسلام، بر دادن هدیه ای با عنوان مهریه تأکید دارد. براین اساس، پیامبر بزرگوار، نخستین بار که مرد گفت چیزی ندارد، فرمود: بدون مهر نمی شود، ولی وقتی اصرار زن را برای ازدواج دید، امری معنوی مانند آموزش قرآن را مهریه قرار داد. همچنین نشان می دهد در صورتی که مرد و زن همدیگر را بخواهند، نباید مهریه مانع ازدواج شود. اگر

۱- همان، ص ۲۵۲.

۲- احمد شلبی، زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام، مترجم: محمود اسداللهی، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۱، ص ۵۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ابواب المهور، باب ۲، ح ۱.

مرد توان پرداخت مهریه کلان را ندارد، نباید به خاطر مهریه، اصل ازدواج را به هم زد.(1)

۱- نک: تشکیل خانواده در اسلام، ص ۱۱۵.

فصل ششم: جهیزیه

اشاره

بنا بر یک رسم دیرینه، عروس وسایل ضروری زندگی را همراه خودش به خانه شوهر می برد. این رسم، پیشینه بسیار زیادی دارد که در طول زمان، جزئیات آن تغییر کرده است. برای نمونه در مقدار، عدد، روش تهیه، مسئولیت تهیه و مالکیت آن تفاوت هایی به وجود آمده است. در حال حاضر، اصل این رسم در کشور ما به طور نسبی صورت عام و همگانی دارد، ولی تفاوت های اندکی در عمل کردن به این رسم در مناطق مختلف کشور به چشم می خورد. خرده فرهنگ های جامعه، از نگاه فرهنگی و قومی خود به این سنّت می نگرند و بنا بر معیارها و باورهای خود، چشم انداز ویژه ای از این سنّت دارند. در این نوشتار، این سنّت، از جنبه های گوناگون بررسی و نظر اندیشمندان درباره آن طرح و ارزیابی می شود.

۱. تعریف جهیزیه

در لغت، به نیازمندی یک شی ء، جهاز گفته می شود. برای نمونه، مردم می گویند: جهاز مسافر، جهاز لشکر و جهاز میت.(۱) بر این اساس، به نیازمندی عروس در خانه شوهر، جهاز گفته می شود. جهاز، اثاثی است که دختر و خانواده او تهیه می کنند تا در اختیار او باشد. در عرف رواج یافته است که خانواده دختر جهیزیه را فراهم کند.

۱- معجم الوسیط، ص ۱۴۳.

۲. مسئول تهیه جهیزیه

در برخی موارد، بخشی از جهیزیه را داماد فراهم می کند. در شرع، هیچ الزامی برای دختر به منظور تهیه لوازم زندگی وجود ندارد؛ زیرا بنا بر شرع مقدس اسلام، تهیه اثاث خانه که بخشی از نفقه واجب است، بر عهده شوهر است.(۱)

۳. دیدگاه فقهی درباره جهیزیه

در فقه، بحث جداگانه ای درباره جهیزیه نشده است؛ زیرا جهیزیه در ادبیات اسلامی امر مستقلی به شمار نمی آید، بلکه جزو نفقه زوجه است که مردان موظفند آن را بپردازند و تعبیر فقهی در این زمینه، «اثاث البیت» است. حضرت امام خمینی رحمه الله در تحریر الوسیله می نویسد:

نفقه شرعاً اندازه ای ندارد، بلکه قاعده این است که مرد به آنچه زن احتیاج به آن دارد، از قبیل غذا، خوراک، پوشاک، فرش، پرده، سکونت، خادم داشتن و وسایلی که بر آشامیدن و پختن و نظافتش و غیره به آنها نیاز دارد، قیام نماید.(۲)

با توجه به این سخن، حضرت امام حتی تعبیر اثاث البیت را نیز به صورت مستقل نیاورده، بلکه در ضمن وسایل خوراک، پوشاک، مسکن و لوازم آنها آورده است.

در قانون مدنی، ماده ۱۱۰۷ دراین باره چنین آمده است: «نفقه، عبارت است از مسکن و البسه و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم، در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا».

۱- نک: جواد حبیبی تبار، گام به گام با حقوق خانواده، تهران، نشر خرم، ۱۳۸۰، چ۱، ص۲۵۰.
۲- حضرت امام خمینی رحمه الله، تحریر الوسیله، ترجمه: علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳، ص ۵۶۱.

فقها نیز بر مسئله نفقه زن تأکید دارند و معتقدند: «نفقه زن، بر نفقه های دیگر نزدیکان مرد مقدّم است.»(۱) پس شکی نیست که فقها تهیه لوازم خانه را از وظایف مرد می شمارند و برای زن در تهیه آن هیچ وظیفه ای را بیان نمی کنند.

حال که از نظر فقهی، تأمین اثاث خانه بر عهده مرد است، چه چیز سبب شده است که زن خود را موظف بداند جهیزیه را با خود بیاورد و به عبارت دیگر، چرا این سنّت در جامعه ما نهادینه شده است؟

برخی از حقوق دانان، برای تبیین کارکرد جهیزیه، به اشتیاق زنان در کمک کردن به شوهر با هدف تأمین زندگی مشترک و ایفای نقش فعال در زندگی و مسئله سهم الارث زنان اشاره کرده اند. تأمین معاش خانواده برعهده شوهر است، ولی زن نیز میل دارد در این تلاش او را یاری دهد. در تقسیم کار سنّتی بین زن و مرد، زن به تنظیم امور خانه می پردازد و از کار خود درآمدی ندارد. پس ناچار باید مالی به همراه ببرد و بدین گونه، سهمی از این بار را به دوش کشد و همسر را کمک کند. در واقع، آوردن جهیزیه نشانه صمیمیت و مظهری از روح همکاری میان خانواده زن با شوهر است. از سوی دیگر، دختر خانواده نصف ارث می برد و دادن جهیزیه به او، راهی است برای تعدیل قانون ارث بین دختر و پسر(۲) برخی دیگر، مسئله ارتباط متقابل مهریه و جهیزیه را طرح کرده اند.(۳)

۴. الگوی جهیزیه در اسلام

بدون شک، بهترین اسوه و الگو برای زنان مسلمان، زندگی و منش حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام است. جهیزیه این بانوی بزرگوار در تاریخ ضبط شده است و

۱- همان، ص ۵۶۹.

۲- نک: دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۱، چ ۳، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳- جامعه شناسی مسایل اجتماعی جوانان، ص ۱۱۱.

زنان مسلمان می توانند این جهیزیه را الگو قرار دهند و توجه کنند که این جهیزیه، از آنِ دختر پیامبر و همسر دلاورترین مرد گیتی بوده است. ایشان، بانوی نمونه و سرآمد زنان عالم بوده و هست. با این وصف جهیزیه این بانوی بزرگوار عبارت بود از:

۱. یک پیراهن سفید؛

۲. یک روسری بزرگ؛

۳. یک حوله سیاه خیبری؛

۴. یک تخت خواب که از پوست خرما بافته شده بود؛

۵. دو عدد تشک کتانی که یکی از پشم گوسفندی و دیگری از لیف خرما پر شده بود؛

۶ . چهار عدد بالش از پوست میش که از گیاهی به نام «اذخر» پر شده بود؛

۷. یک قطعه حصیر هجری؛

۸. یک عدد آسیای دستی؛

۹. یک کاسه مسی؛

۱۰. یک مَشک چرمی برای آب کشی؛

۱۱. یک تشت لباس شویی؛

۱۲. یک عدد کاسه برای شیر؛

۱۳. یک ظرف آب خوری؛

۱۴. یک پرده پشمی؛

۱۵. یک آفتابه؛

۱۶. یک سبوی گلی؛

۱۷. دو کوزه سفالین؛

۱۸. یک عدد پوست برای فرش؛

۱۹. یک عبا.(۱)

هنگامی که جهاز حضرت زهرا علیهاالسلام را خدمت پیامبر آوردند، اشکش جاری شد و سرش را رو به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا، این عروسی را برای کسانی که بیشتر ظرف هایشان گلی است، مبارک گردان».(۲)

نکته ای که باید در این زمینه به آن توجه کرد، این است که همه مورخان گفته اند در آن زمان، جهیزیه آن بانوی بزرگوار بسیار ساده بوده است و به حداقل امکانات زندگی بسنده کرده بودند، با اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر می خواست، می توانست جهیزیه بسیار مناسب تری برای دختر گرامی خویش تهیه کند.

پس آنچه باید در تهیه لوازم زندگی رعایت شود، توجه به ضرورت و در عین حال سادگی آن است؛ زیرا بالا بودن هزینه لوازم زندگی، خود یکی از عوامل به تأخیر افتادن ازدواج دخترانی است که درصددند جهیزیه گران قیمتی به همراه داشته باشند.

نکته مهم دیگر اینکه مردان نیز توقع خود را از جهیزیه پایین بیاورند و بدانند که جهیزیه، فقط هم یاری و کمک زن و خانواده اوست و در این موضوع، وظیفه یا تکلیف خاصی بر عهده زن نیست. متأسفانه در عرف این یک باور قطعی شده است که خانواده دختر موظفند بخش زیادی از وسایل زندگی داماد را فراهم سازند و خانواده مرد براساس سنّت های نادرست، توقع بسیار بالایی در این زمینه دارند.

در الگوی جهیزیه اسلامی، چند نکته مهم وجود دارد که عبارتند از:

۱- ابراهیم امینی، بانوی نمونه اسلام، قم، دارالتبلیغ اسلامی، چ ۳، ص ۷۸.
۲- همان، ص ۷۹.

۱. تهیه لوازم خانه به عهده مرد است.

۲. خانواده دختر می تواند در تهیه لوازم منزل جوانانی که تازه زندگی را شروع کرده اند، به آنان کمک کند.

۳. مردان حق ندارند، جهیزیه سنگین از زن بخواهند.

۵. مصداق جهیزیه

آیا جهیزیه در حال حاضر باید بدون کم و کاست، همان چیزهایی باشد که جهیزیه حضرت زهرا علیهاالسلام بوده است یا اینکه باید شرایط زمانی و مکانی را در نظر گرفت؟ دین اسلام، همه شرایط زمانی و مکانی، حتی شرایط فردی را در نظر می گیرد.

معیار کلی درباره جهیزیه مانند جایگاه زن، وضعیت اقتصادی مرد و وضع خانوادگی دو طرف باید در نظر گرفته شود و نباید تجمل پرستی رواج یابد. طبیعی است که زن، نیازهای ویژه ای دارد و می تواند به تناسب پایگاه اجتماعی خود، آنها را برآورده سازد. این موضوع را خواست مشترک دو همسر و واقعیت های اجتماعی و سنّت ها و نیازها و روش های تأمین آنها تعیین می کند که انسان چه بپوشد و چگونه خود را بیاراید و چه چیزی را به مردم هدیه بدهد.

۶. پیامدهای جهیزیه سنگین

در وضع کنونی، این نگرانی وجود دارد که جهیزیه، مانع ازدواج بعضی از دختران است. شاید کم نباشند خانواده هایی که دختران خود را به دلیل ناتوانی در تهیه جهیزیه، در خانه نگه می دارند. نویسنده ای درباره پیامدهای جهیزیه زیاد می نویسد:

متأسفانه جهیزیه در یک گروه ناآگاه و گاهی آگاه، ولی گرفتار رقابت های قومی و چشم و هم چشمی، به صورت نگران کننده و مشکل بازدارنده ای

درآمـده است، به گونه ای که خانواده های کم درآمد و عائله مند، از تهیه آن ناتوان می شوند و در بسیاری از مواقع، دختران جوان، به خـاطر نداشـتن جهیزیه یـا کم بودن آن، از ازدواج محروم می ماننـد... به هر حـال، تـأمین جهیزیه هـای سـنگین، کار ازدواج را دشـوار می کنـد و گـاهی نیز داسـتان آن کارمنـد بازنشسـته پیش می آیـد که یکی از کلیه هـای خـود را فروخت تا صرف تهیه جهیزیه یکی از دخترهـای خـود کنـد، ولی سوگمنـدانه در این راه جـان خـویش را از دست داد و به آغوش مرگ رفت.(۱)

۷. مالک جهاز

زن، مالـک جهاز است و شوهر هیـچ گونه مالکیتی بر جهیزیه نـدارد، حتی اگر این جهیزیه با پول مهریه تهیه شـده باشـد؛ زیرا مهریه، مـال خالص زن است و آوردن جهیزیه به خانه شوهر، به معنای انصـراف زن از مالکیت یا شـریک ساختن شوهر در آن نیست. حق مالکیت زن باقی می مانـد، ولی شوهر نیز از منافع آن بهره مند می شود و می تواند از آنها به طور متعارف اسـتفاده کند.

۸. برگرداندن جهیزیه

اگر زن بخواهـد، می توانـد جهیزیه خود را از خـانه شوهر به جـای دیگر منتقـل کنـد و شوهر موظف است جهیزیه اش را به او بازگردانـد. البته برگردانـدن جهیزیه هنگامی است که شوهر این اموال را تحویل گرفته و از آن اسـتفاده کرده باشد که در این صورت، شوهر باید جهیزیه را کامل برگرداند. اگر این اثاث البیت، از ابتدا دست خود عروس باشد و با خود به همراه بیاورد و در خانه شوهر هم در اختیار او باقی بماند، شوهر در قبال جهیزیه مسئولیت ندارد.

در برخی شـهرها رسم شـده که صورتی از اقلام جهیزیه تهیه و وسایل جهیزیه به داماد تحویل داده می شود و از وی رسـید می گیرند. این رسید،

۱- احمد صادقی اردستانی، نیازهای جوانان، تهران، نشر خرم، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۸۴.

گـاهی بـا عنوان امـانت است و گـاهی عنوان امانت نـدارد و تنها، قبض رسـید جهیزیه است. حال اگر پس از تحویل به شوهر، میـان زن و مرد اختلافی به وجود بیایـد، جهیزیه بایـد به زوجه داده شود. بـدین ترتیب، جهیزیه ای که در اختیار شوهر قرار می دهند، از نظر عرفی، عاریه مضمونه است؛ یعنی زوج حق استفاده از جهیزیه را به عنوان اثاث البیت، در زندگی مشترک خود با همسـر و فرزندانش دارد، ولی ضامن عین آن است و در شـرایطی که زن به برگرداندن آن تصمیم می گیرد، باید آن مقدار از جهیزیه را که باقی مانده است، پس دهد و اگر بعضـی از اقلام جهیزیه را شوهر با زیاده روی یا کوتاهی در مصرف تلف کرده یا بـدون اذن زوجه، فروخته باشـد، بنابر نوع مورد، ضامن مثل یا قیمت «یوم التلف» آن خواهد بود و در کم شدن اقلام موجود بر اثر استفاده بسیار نیز ضامن است.(۱)

نتیجه

در حقیقت، جهیزیه یک سـنّت پایـدار و قوی با جنبه های خوب و بد است. اگر جهیزیه را نشانه روح همکاری میان زن و مرد یـا نشانه اشتراک زن در اموال خانه بـدانیم، امری پسـندیده و خوب است، ولی دو نکته، کارکرد آن را منفی کرده است: یکی اینکـه، این همکـاری زن و مرد، شـکل الزامی به خـود گرفته و جهیزیه، عامـل فشـار بر خـانواده هـای بی بضـاعت شـده است. همچنین ابزاری برای سرکوفت زنانی شده است که جهیزیه همسان با دیگر دختران را با خود نیاورده اند.

مسـئله دیگری که سـنّت جهیزیه را با مشکل روبه رو ساخته، رشد بیش از حد آن است که در پی رقابت و چشم و هم چشمی های منفی در جامعه و ارتباط جهیزیه با دیگر خرج های عروسی روی می دهد.

۱- نک: گام به گام با حقوق خانواده، ص ۲۵۰.

با توجه به این دلایل، پایین آوردن جهیزیه به این مسائل بستگی دارد:

۱. شوهران بدانند هرچند هزینه جهیزیه به طور عرف با خانواده دختر است، کمک والدین عروس به دختر و داماد به شمار می رود و کمک با هر مقدار، شایسته سپاس گزاری است.

۲. جهیزیه، نشانه بزرگی و بلند مرتبه گی افراد نیست.

۳. هزینه های عروسی نیز تا حد امکان باید پایین بیاید و آسان گیری در امر ازدواج در جامعه رواج بیابد.

پس ایستادگی در برابر این سنّت شایسته نیست، بلکه باید کوشید جنبه های منفی آن از میان برود. از دیدگاه اسلام، رسم جهیزیه تا آنجا که فقط برای تقویت بنیه خانواده تازه تأسیس به کار رود، تأیید می شود.

می توان جهیزیه ای داشت که مانع ازدواج نباشد، بلکه عامل افزایش ارتباط درست و محکم کردن پایه های دوستی خانواده عروس و داماد و نزدیک شدن قلب های زوجین به همدیگر باشد، به شرطی که جنبه های منفی آن کم رنگ شود و اصل آن را تحت الشعاع قرار ندهد. خانواده عروس نیز باید به اندازه توان مالی و عاطفی اش به دختر و دامادش کمک کند. در مقابل، داماد نیز توجه داشته باشد که در هر حال، باید از زن و خانواده او در قبال این کمک، سپاس گزار و قدردان باشد.

ص: ۱۰۲

کتاب نامه

۱. آبوت پانلا، و کلر والاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲. آراد، علی، مهر تـاریخچه و مـاهیت و احکـام آن (از نظر حقـوق مـدنی ایران و مقـایسه بـا مـذاهب مختلفـه)، تهران، چاپ مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۴۱.

۳. اسلامی، علی، ترجمه تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۴. افروز، غلام علی، مبانی روان شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش های اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۵. امیری، علی، تشکیل خانواده در اسلام، بی جا، انتشارات امیری، چاپ هشتم، ۱۳۷۲.

۶. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۷. ______________________ ، بانوی نمونه اسلام، قم، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، چاپ سوم، بی تا.

۸. انیس ابراهیم و دیگران، معجم الوسیط، بیروت، دارالامواج، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ . ق.

۹. باباخانی، زرین، مهریه حقوق خاصه زوجه، مؤسسه فرهنگی نشر رامین، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۰. بهنام، جمشـید و شاپور راسـخ، مقدمه ای بر جامعه شناسـی ایران، تهران، شـرکت سـهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۴۸.

۱۱. پاک نژاد، رضا، ازدواج مکتب انسان سازی، یزد، مؤسسه خیریه علمی و دینی مهدیه اشکذر، چاپ چهارم، بی تا.

۱۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.

۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینالوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.

۱۴. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، بصیرت، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۵. حبیبی تبار، جواد، گام به گام با حقوق خانواده، تهران، نشر خرم، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۶. حرعاملی، شیخ حسن، وسائل الشیعه.

۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۳ه . ق.

۱۸. حسن، ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ ششم، ۱۳۶۶.

۱۹. حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، قم، دارالتبلیغ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۰.

۲۰. حکیم پور، محمد، حقوق زنان در کشاکش سنت و تجدد، تهران، انتشارات نغمه نو اندیش، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۲۱. حلی، یوسف بن علی، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، تهران، نشر اسماعیلیان، ۱۳۸۹ هـ . ق.

۲۲. دهخدا، لغت نامه، تهران، سیروس، ۱۳۳۸ هـ . ق.

۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ه . ق.

۲۴. ریتزر، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۲۵. زیدان، عبدالکریم، المفصل فی احکام المرأه و البیت المسلم، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۱۷ه . ق.

۲۶. زین الدین عاملی، محمد بن جمال الدین علی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی تا.

۲۷. ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۷۰.

۲۸. شرف الدین، سید حسین، تبیین جامعه شناختی مهریه، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۹. شریعتی، علی، مجموعه آثار (شماره ۲۱)، تهران، انتشارات سبز، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۳۰. شلبی، احمد، زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام، ترجمه: محمود اسداللهی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، بی تا.

۳۱. صادقی اردستانی، احمد، نیازهای جوانان، تهران، نشر خرم، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۳۲. صدیق اورعی، غلام رضا، جامعه شناسی مسایل اجتماعی جوانان، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.

۳۳. صفایی، حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، نشر دادگستر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

۳۴. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

۳۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۳۶. طبری، مجمع البیان، تحقیق: رسولی محلاتی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹.

۳۷. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق: محمد باقر بهبودی، ۸ جلد، المکتبه المرتضویه لاحیا الآثار الجعفریه، چاپ دوم، بی تا.

۳۸. عبده (بروجردی)، محمد، کلیات حقوق اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۳۹. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۰ هـ. ق.

۴۰. فضل الله، محمدحسین، دنیای زن، ترجمه: واحد ترجمه دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۴۱. ______________________ ، شیوه همسرداری، ترجمه: لطیف راشدی، تهران، پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۴۲. فیروزآبادی، قاموس المحیط، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ هـ. ق.

۴۳. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، تهران، دارالکتب، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ. ق.

۴۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

۴۵. قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۴۶. قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، دارالفکر، ۱۴۹۱ه . ق.

۴۷. قیومی، احمد، مصباح المنیر، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ هـ. ق.

۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۴۹. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ دهم، ۱۳۸۲.

۵۰. گواهی، زهرا، سیمای زن در آیینه فقه شیعه، قم، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۵۱. گوستاولوبون، تمدن اسلامی و غرب، ترجمه: سیدهاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۵۸.

۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۵۳. محقق، محمدباقر، حقوق مدنی زوجین.

۵۴. مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد، آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۵۵. مشکینی، علی، ازدواج در اسلام، ترجمه: احمد جنتی، انتشارات یاسر، بی تا.

۵۶. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیستم، ۱۳۷۴.

۵۷. ______________________ ، یادداشت های استاد، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۵۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۷۰.

۵۹. منصورنژاد، محمد، مسأله زن، اسلام و فمینیسم در دفاع از حقوق زنان، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۶۰. موسوی بجنوردی، محمد، نشریه ابوذر، انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران.

۶۱. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.

۶۲. نای بن سعدون، حقوق زن از آغاز تا امروز، ترجمه: گیتی خورسند، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶۳. نجار، محمد علی، معجم الوسیط، تهران، مکتبه العلمیه، بی تا.

۶۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۳.

پایان نامه

۱. طالبی احمد آبادی، مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱.

۲. کاظمی پور، بررسی دموگرافیک تغییر سن ازدواج.

۳. سماتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت انتشارات، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه ای

قائمیه

اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی

دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

